

جنگ برادر کتبی در کردستان باید بیدار نگ قطع شود

باید حقوق مشروع خلق کرد در داخل ایران واحد، مستقل و آزاد تأمین گردد

نیروهای صدیق کشور و بویژه کردستان باید در این دوران پر-مسئولیت راه و چاه را روشن سازند و خلق را از افتادن در چاه حفظ کنند.



از گان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۴۱ پنجشنبه ۱۶ خرداد ۱۳۵۹ - ۱۵ شماره ۱۵۰ ریال

ما هشدار می‌دهیم!

نقشه‌های ضد انقلاب

بر پایه اطلاعات موثقی که ما بدست آورده‌ایم پس از شکست توطئه نادرک شده سازمان یافته آغاز ابرویشت ماه، ضد انقلاب داخلی، به زیرین متمرکز کرد است.

دو روزنامه و بی نظمی ویسی اعتمادی را رواج دهد، ضد انقلاب می‌خواهد با مجموعه این پیامدها، آهارا گل آلود کند و بسود خود ماهی بگریزد، یعنی شرایط را برای دردمشکستن انقلاب ایران آماده می‌سازد. دستورهای این جنایت به همه گروه‌های وابسته به ضد انقلاب داخلی، بزرگ سالکان و ساواکها، که در دستاها دست و امکان خرابکاری دارند، رسیده است.

۱- آتش زدن خرمینها و کشتزارها

دو دستاها عمده‌ترین بخش این اقدامات آتش زدن کشتزارها و خرمینها است. با اینکار ضد انقلاب می‌خواهد، دهقانان را خانه خراب کند و از انقلاب روگردان سازد. دشواریهای دولت جمهوری اسلامی را تشدید کند. کشور را دچار مضیقه خواربار سازد. این اقدام را بگردد «کومنیستها» بپردازند و بدینسان مستکبری ضد آمریکایی انقلاب را منحرف کند و آمریکا را از زیر ضربه خارج

۲- ایجاد اغتشاش در شهرها

توجه خاصی را به دانشکاهها می‌دهند داشته است. ضد انقلاب میکوشد از این واقعت، که روز ۱۳ خرداد پایان سال تحصیلی جاری دانشکاهها اعلام شده و بویژه از تظاهرات روز ۱۵ خرداد، بدین منظور بهره گیری کند.

ایجاد اغتشاش در سطح همه شهرها، با حمله گروه‌های چاقو دار و قنداقه‌بند، با کمک افراد مسلح و مسلحان گم، به مراکز فعالیت سازمان مجاهدین خلق و حزب توده ایران و کتاخانه‌ها و کتا فروشها و کتوسکاها و غیره. در ارتباط با تافته ایجاد اغتشاش، ضد انقلاب

۳- ایجاد اغتشاش در مناطق اقلیت‌های ملی

و خیر وارد شدن اریسی به کردستان و سایر ازیب شدن کتیب‌های اسلحه و مهمات برای نیروهای ارتجاعی و ضد انقلابی در کردستان می‌توان نتیجه گرفت که ضد انقلاب امید زیادی به کردستان دارد.

ایجاد اغتشاش در مناطق اقلیت‌های ملی با بهره گیری از خواسته‌های حق مردم این سرزمینها و بویژه تشدید جنگ برادر کتبی در کردستان، با توجه به اظهارات شاپور بختیار و تشدید فعالیت گروه‌های وابسته به ضد انقلاب در ایران

ما هشدار می‌دهیم

دشمن را بدرستی بشناسیم در راههای مبارزانه انحرافی نرفتیم، متعهدا به سرک پیش برداریم.

بمناسبت سی و سومین سال شهادت فرزندان و مندرلق آذربایجان

فریدون ابراهیمی در پای چوبه دار فریاد زد: **جلادها!** طناب را بگردنم بپاندازید و...



در صفحه ۳

تلاشهای ناپسند مقتریان برای لکه دار کردن افتخار شهیدان

در صفحات بعد

فقط سیاست ضد امپریالیستی فعال در نفت به سود انقلاب است (۲) تجارب سیاست نفتی دولتهای الجزایر و لیبی در دوران پس از پیروزی انقلاب در آن کشورها

صفحه ۸

دهقانان تا کستان در بند اسارت مالکان بزرگ فقر، مادر تمام بدبختی‌هاست

مقاله دهقانی - صفحه ۴

مارکسیسم قلابی را به جای مارکسیسم حقیقی، جا می‌زنند! ولی آنهایی که سوء نیتی ندارند و مایلند سوره را از ناسوره باز شناسند، باید دیدگان باطن بین داشته باشند و در راههای رنگارنگ فریب امپریالیستی نیفتند

صفحه ۶

گروهها و محافل ضد انقلابی در کردستان تهاجم جدیدی را علیه سازمانها، دشمنان و مراکز حزب توده ایران آغاز کرده‌اند. ضرب و شتم توده‌ایها، تخریب و به آتش کشیدن مراکز حزب و سبلی از اعلامیه‌های ضد توده‌ای، بسیاری از مناطق کردستان را فرا گرفته است. برخی آشکارا نام گروه خود را در زیر اعلامیه‌ها می‌نویسند و برخی دیگر بعنوان «هواداران» فلان سازمان و عضو سابق حزب توده ایران و یا دافتر سابق توده‌ای هويت اصلی خود را پنهان میکنند و با اسلامی مستعار، شاهکارهای خود را پرشته تحریر درمی‌آورند. گروهی هم بانکبه براسطه‌ای که در دست دارند، به جمع‌آوری دامنه‌ها علیه حزب توده ایران می‌پردازند.

علت این تهاجم، خود مهاجمین از گسترش روزافزون نفوذ و اعتبار سیاسی حزب توده ایران در کردستان است. برخی از اینها می‌بینند که شمارهایشان غلط از آب درآمده و خطمشی‌شان به پر تگانه رسیده است، ولی شهادت اینرا ندارند که مرد و مردانه بگویند، داشته‌های خود را بدهند. برخی دیگر ضد انقلابی هستند و غیرمصادقات افراد ساده آنها، رهبران پشت پرده‌شان مأموریت دارند با ایجاد بلا و آشوب در کردستان، انقلاب ایران را به شکست دچار سازند و تهاجم به حزب توده ایران جزء مأموریت آنهاست. بقیه در صفحه ۷

متن تمام قراردادهایی که با امریکا بسته شده باید فاش شود

هیچگونه صحت اجرایی ندارد. این سخنان آقای دکتر یزدی صحیح است و مورد تأیید ماست.

آقای دکتر ابراهیم یزدی، وکیل تهران در مجلس شورای ملی، مساجحه بسیار جالبی انجام داده‌اند که در روزنامه «کیهان» شماره ۲۷ اردیبهشتماه، زیر عنوان «آزادی گروگانها بدون محاکمه آمریکا یک خیانت بزرگ» تاریخی خواهد بود. انتشار یافته است.

آقای دکتر یزدی سپس با اشاره به شکایتی که چند گروگان آزاد شده و نیز فراری (توسط سفارت کانادا) به دادگاههای آمریکایی کرده‌اند و بابت «نقض حقوق اولیه آنها» بجنه آزادی عقیده و بیان در مدت چند روزی که در ایران بوده‌اند، دلیلی بر این ۲۲۰ میلیون دلار از ایران نداشتند می‌کنند، می‌گویند:

«بسیار خوب فرض کنید که این امر مطالبه غرامت به این مبلغ، ارزش آزادی تنیده و بیان را در بین مردم آمریکائیان می‌دهد. ما هم بر اساس همین معیارها و ارزشها و نه بر اساس قوانین ایران، علیه آمریکا اعلام جرم کرده و مطالبه غرامت می‌نماییم. اگر خسارت معنویت آزادی چند نفر برای چند روز حدود ۴۳۰ میلیون دلار باشد، حساب کنید که خسارت معنویت کردن همین آزادیها برای مدت ۴۵ سال و برای ۴۰ میلیون ایرانی چقدر خواهد بود. (مجموع ۵۸۱۰ به توان ۱۷ دلار) و این رقم نجومی تزه غرامت خسارت‌های ناشی از معنویت آزادیهای اولیه در ایران نیست. به این رقم خسارت‌های زیر را اضافه کنید: ۱- خسارت ناشی از زندانی شدن و شکنجه دیدن هزاران زندانی (سیاسی) در طی ۴۵ سال، ۲- خون‌های جان هزاران ایرانی که در بقیه در صفحه ۷

دخالت آمریکا و شرکت دولت در این کودتا و مسئولیت وی در جنایات شاه ایران تنها یک امعا و یک اتهام از جانب ملت ایران نیست. اسناد شرکت و دخالت آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد، اسنادی نیستند که (از منابع ایرانی به دست آید، تمامی این اسناد از منابع خود آمریکائیان است. گزارش رسمی رئیس جمهور وقت آمریکا (آیزنهاور) به کنگره آمریکا و اعترافات و اقرار و گزارشات رسمی وزیر امور خارجه وقت و رئیس سیاسی وقت آمریکا (برادران داللی) و سایر مقامات رسمی آمریکایی، تمام جزئیات طرح و نقشه و عملکرد آمریکا در ایران را بیان می‌کنند. بر اساس این اسناد و اقرار مقامات رسمی دولت آمریکا شرکت آمریکا در کودتا و مسئولیت دولت آمریکا در مورد جنایات ۴۵ ساله رژیم شاه، انکارناپذیر است. بر اساس این اعترافات و اسناد دولت آمریکا مسئول و شریک تمام این جنایات است. اکنون که انقلاب اسلامی ایران پیروز شده است و گروگانهای آمریکایی در اختیارند، ملت ایران با محاکمه عملکرد دولت آمریکا باید خسارات جانی و مالی که در طی مدت ۴۵ سال و چندماه به ملت ایران وارد شده است، درخواست غرامت از آمریکا بنماید. این غرامت را آمریکا باید به ایران بپردازد، خواه شاه زنده باشد یا بمیرد، به ایران مسترد بشود یا نشود. صرف اینکه آمریکا به گناهان و اشتباهات خود اعتراف کند و تصد بدهد که دیگر دخالت ننماید، کافی نیست و

کودتا و مسئولیت دولت آمریکا در مورد جنایات ۴۵ ساله رژیم شاه، انکارناپذیر است. بر اساس این اعترافات و اسناد دولت آمریکا مسئول و شریک تمام این جنایات است. اکنون که انقلاب اسلامی ایران پیروز شده است و گروگانهای آمریکایی در اختیارند، ملت ایران با محاکمه عملکرد دولت آمریکا باید خسارات جانی و مالی که در طی مدت ۴۵ سال و چندماه به ملت ایران وارد شده است، درخواست غرامت از آمریکا بنماید. این غرامت را آمریکا باید به ایران بپردازد، خواه شاه زنده باشد یا بمیرد، به ایران مسترد بشود یا نشود. صرف اینکه آمریکا به گناهان و اشتباهات خود اعتراف کند و تصد بدهد که دیگر دخالت ننماید، کافی نیست و

تبعیض نژادی یکی از چهره‌های سرشت ضد انسانی امپریالیسم امریکا، بار دیگر در زیر شعله‌های خشم و عصیان سیاه پوستان میامی نمایان میشود

آتش کشوند، که در نتیجه، طبق کن ادش خیر گزاردهای آمریکایی، در جریان این درگیریها تاکنون دهها نفر از سیاه پوستان کشته و در حدود شصت نفر زخمی و سید و پنجاه نفر دستگیر و روانه زندانها شده‌اند.

دادگاه، که نمونه بارزی از یا بمان کردن حقوق شهروندان سیاه پوست و پیروی از منویات نژاد پرستانه دستگاه قضایی آمریکاست، ختم و نفرت اهالی سیاه پوست میامی را برانگیخت.

بر خورد خشموت آمیز افراد کارد و پلیس با تظاهرات کنندگان موجب گسترش دامنه تظاهرات و افزایش خشم اهالی سیاه پوست گردید. در همین مقررات حکومت نظامی اعلام گردید و رفت و آمد در شهر از ساعت ۸ بعد از ظهر تا شش

از همان روز شنبه سیاه پوستان میامی به خیابانها ریختند و به تظاهرات و راهپیماییهای اعتراضی آمیز پرداختند. تظاهر کنندگان خواستار تشکیل دادگاه دیکی و تجدید محاکمه چهار پلیس متهم شدند. در پاسخ این تقاضای محققانه، مقامات دولتی میامی، به دستور کارتر رئیس جمهور آمریکا، افراد واحدهای کارد و پلیس را مأمور سرکوب تظاهر کنندگان سیاه پوست کردند. واحدهای سرکوب که به سلاحها و وسائل دشمنوارش از جمله تفنگهای شکاری کالیبر ۳۶ مجهز بودند، بروی تظاهر کنندگان

بقیه در صفحه ۷

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم

گرانی روزافزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری وقاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

متن تمام قراردادهایی که با آمریکا بسته شده باید فاش شوند

بقیه از صفحه ۱
 طی این مدت از روز ۲۸ مرداد ۱۳۴۴ در خیابان‌های تهران و شهرستانها و در زندانها و یا به طرق مختلف تا روز ۲۴ بهمن ۱۳۵۷ کشته شده‌اند.
 ۳- خسارت ناشی از نقص عضو هزاران ایرانی (که) در طی ۳۵ سال معلول شده‌اند، (طبق معیارهای) دادگاه‌های آمریکایی (که) برای نقص عضو - فرضاً یک انگشت دست) چه میزان خساراتی را تصویب نموده و شرکت‌های بیمه پرداخت نموده‌اند...
 همه اینها که برمیگردیم تازه خسارت جانی است که به علت عمل آسریکا و کودکی ۴۸ مرداد بر ملت ایران وارد شده است. ملت ایران غیر از خسارت جانی، خسارت مالی فراوانی نیز دیده است. اینها را باید بررسی و مقابله نمود...
 بنابراین محاکمه گروگانها، باید محاکمه عملکرد سیاست خارجی آمریکادر ایران براساس فوق باشد و چنین انتقادی چنان کرده‌ای که تنها برخلاف موازین بین المللی نیست، بلکه دقیقاً سخن گفتن به لسان و زبان بین المللی خصوصاً زبان خود مردم آمریکاست...
 «چنان محکمه‌ای اگر تشکیل شود، محکمه‌ای دنیاپسند و به زبان دنیا خواهد بود: محکمه جرائم آمریکا در ایران و مقابله خسارت وارده بر ملت ایران...
 چنین امری در دنیا بی سابقه نیست. سابقه دارد. همه ساله دولت آلمان غربی به دولت اسرائیل غرامت می‌رود. دولت آلمان غربی غرامت می‌دهد که ۴۰ سال پیش دولت هیتلر بر یهودیان آلمان وارد ساختن یهودیان که در حق آلمان مرتکب شد. نه دولت آلمان غربی - رطبی به دولت هیتلر دارد و نه دولت اسرائیل رطبی به یهودیان کشته شده و یا شکنجه دیده در زمان هیتلر در آلمان! معذالک به موجب آراء دادگاه این غرامتها پرداخت می‌شود. حالا آقای کارتر ممکن است بگوید که گوری دخالتی در اشتباهات و گناهان و جرائم اسلاف خود در ایران نداشته است، اما به هر حال دولت آمریکا مسئول است و باید خساراتی را که بر ما وارد شده است جبران نماید.»

می‌روند، در راس دولت آمریکا قرار می‌گیرند و جای خود را به دیگری می‌دهند، ولی تا امپریالیسم آمریکاست، دولتهای آمریکا دولتهای جنایتکاران-غارتگرانی-انحصارات امپریالیستی آمریکایی خواهند بود و از امریکاب هیچ چنانی نه فقط علیه خلق ما، بلکه علیه تمام دیگر خلقها، تا حدی که بتوانند، فروگذار نخواهند کرد.
 به بازگویی سخنان آقای دکتر یزدی ادامه دهیم:
 «تا این طرحی است که برای محاکمه باید در نظر داشت. ممکن است محاکمه اصلی (محاکمه آمریکا) یا محاکمه گروگانها شروع شود و یا گروگانها به عنوان شهود در محاکمه حاضر شوند، اما به هر حال باید محاکمه صورت پذیرد. هرگونه اشتباهی در این مورد یک اشتباه و یک خیانت بزرگ تاریخی خواهد بود. آزادی گروگانها بدون محاکمه آمریکا یک اشتباه است. محاکمه گروگانها که صرفاً محاکمه خود آنها - اشخاصی باشد، اشتباه است.
 آزادی گروگانها، به شرط محاکمه شاه در یک دادگاه بین المللی نیز اشتباه است. مگر آنکه محاکمه شاه در یک دادگاه بین المللی همراه با محاکمه عملکرد دولت آمریکا در ایران به شرحی که آمد باشد و راهی برای تقسیم اجزای آراء صادره از چنین دادگاهی پیدا کنیم.»
 ما با این نظریاتی که آقای دکتر یزدی درباره محاکمه آمریکا و گروگانهای آمریکایی ارائه داشته‌اند، موافقت و آنها را تأیید می‌کنیم. آقای دکتر یزدی ادامه می‌دهند:

«علاوه بر مقابله خسارات (جانی) وارده به شرح بالا، در این محاکمه ما باید مطالبات (مالی) ایران را از دولت آمریکا مطرح و درخواست پرداخت آنها را بخواهیم. مطالبات ایران از آمریکا هنوز مشخص نشده است و باید آنها را بررسی و مشخص کرد. این مطالبات شامل اولاً حسابهای ایران است که در بانکهای آمریکایی بلوکه شده‌اند و ثانیاً مطالبات ایران از دولت آمریکا و کمپانیهای آمریکایی است که مربوط می‌شود به قراردادهایی که در زمان شاه سابق با آمریکا بسته شده بوده‌اند.»
 آقای دکتر یزدی برای روشن شدن اذهان به ذکر نمونه‌هایی می‌پردازد:
 «مرونده حساب نتخواه گردان ایران در وزارت دفاع آمریکا: در زمان شاه سابق خرید سلاحهای نظامی از آمریکا به دو صورت عمده انجام می‌گرفته است. یکی از طریق وزارت دفاع آمریکا و دیگری از طریق مستقیم یا کمپانیهای آمریکایی...
 ... طرز عمل با وزارت دفاع آمریکا به این ترتیب بوده است که هیئت مستشاران نظامی آمریکا در ایران، یا هر مرجع دیگری نیازمندیهای نظامی ایران را (بخوان: نیازمندیهای نظامی آمریکا در ایران را) تشخیص می‌داده است و آنها را از این هیئت (مستشاران) به وزارت دفاع (آمریکا) سفارش می‌داده است. وزارت دفاع آمریکا یک برآورد احتمالی می‌نموده است و سپس ایران موافقت کرده است که قرارداد خرید را امضاء کند و به محض امضاء کل سفارش را تقداً بپردازد. برای این پرداختها حسابی به نام «حساب نتخواه گردان ایران»، «Iran Fund» و وزارت دفاع آمریکا با نام خود باز کرده بود که فقط خود آنها حق برداشت داشته‌اند و ایران (بخوان: شاه خانی که کارگزار انحصارات امپریالیستی آمریکا در ایران بود) گاه به گاه هر وقت بنا به گزارش وزارت دفاع آمریکا، موجودی حساب نزدیک به پایان بوده است، میبایستی حدود چند میلیارد دلار (از بین افعال خلق به زنجیر کشیده ایران) به حساب مزبور می‌ریخته است. مقاصد آمریکا از این حساب برای سفارشات ایران (سفارشات هیئت مستشاران نظامی آمریکا در ایران) را (به انحصارات اسلحه‌سازی آمریکایی) می‌پرداخته‌اند. این حساب حدود سال ۱۹۶۸ باز شده است و وجهی تا زمان فرار شاه از ایران، حدود ۴۹ میلیارد، ایران به این حساب ریخته است. این مبالغ ظاهراً بابت سفارشات است که

در نیمه اول آبان ماه سال ۱۳۵۱، آنکه که دولت شاهنشاهی ۵۰ فروند جت جنگنده از نوع اف ۴ به دولت مستعزفانه آمریکا در سایگون تحویل داده، روزنامه آیندگان (شماره ۱۶ آبان ماه ۱۳۵۱) نوشت:
 «وزارت خارجه ایران (دولت شاهنشاهی) دیروز درباره خبر مربوط به تحویل هوا-پیمای اف ۴ به ایران به آمریکا که روز شنبه ۱۳ آبان چاپ شده بود، توضیح داد. مقامات وزارت خارجه (دولت شاهنشاهی...) گفتند: «طبق قراردادهایی که بین ایران و آمریکا موجود است، طرفین می‌توانند اسلحه مورد نظر را به یکدیگر بدهند و سپس بازگیرند و این اقدام (تحویل) جنگنده‌ها به آمریکا برای سایگون خارج از حدود این قرارداد نیست.»
 در بدین سان سریع و روشن اشراف شد، اسلحه‌ای که رژیم شاه مخلوع پساً پول ایران از آمریکا می‌خرید، عملاً بداختار آمریکا است. و سپس فاش شد که طبق همان قراردادها، ایران فقط در مکان و در زمانی می‌تواند اسلحه خریداری شده از آمریکا را به کار برد، که پنتاگون مجاز شمرد.

بدینسان ۹۴۵ قرارداد خرید اسلحه، که با واسطه پنتاگون بسته شده و هنوز لغو نگردیده‌اند، فقط جنبه مالی ندارند، بلکه مقید به قیود و شروط اسارتگر سیاسی- نظامی هم هستند، یعنی این قراردادها، ضمن اینکه وسیله غارت‌اند، زنجیر اسارت و وابستگی به آمریکا نیز هستند و بنابراین باید افشاء و لغو گردند و برای وصول مطالبات ایران نیز پیگیری شود. در غیر- اینصورت، یعنی اگر ما به دلیل وجود وجود فزاینده‌ای برای قراردادها و پیش برداخت قیمت اسلحه‌ای که طبق آنها خریداری شده است، از افشاء و لغو آنها خودداری کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که: «چون وابسته بوده‌ایم، همچنان بناچار باید وابسته بمانیم.»
 و متأسفانه باید گفت که پیگیری دولت وقت، فقط برای وصول مطالبات ایران نبود، برای ادامه خرید اسلحه از آمریکا بر مبنای همان قراردادهای اسارتگر نیز بود.

بد نیست بخشی از نطق مفصلی را که آقای بازگان در چهارشنبه ۱۳ تیر ۱۳۵۸، از رادیو دولتیویزیون ایراد داشته‌اند، بازگو کنیم:
 «اگر امروز تسلیحات ارتش ما، ۴۰ میلیارد تسلیحات، این قسمت اعظم (آن) از آمریکا خریداری شده، این را اگر نخواهیم لوازم یدکی که احتیاج دارد و دائماً هم

میکند، شیب آن از قبیل مسواک و اسلحه، قاجاق مواد معدنی و اشعه فضا و ... بخوبی آشنا هستند. رویدادهای میامی در عین حال، واقعیت آزادی و دموکراسی را در این کانون جهان آرزو رسوا

دیدگان جهانیان عربیان می‌سازد. خلقهای جهان با این چهره کریم در مقاطع گوناگون آنت-سروکوب خونین جنبه‌های رهائی‌بخش، کودتاهای نظامی درونی کارآوردن رژیمهای سفک فاشیستی، چپاول و غارت سرورتهای ملی خلقها،

تبعیض نژادی ...
 بقیه از صفحه ۱
 رویدادهای میامی بر روی گوشه‌ای از چهره کریم و ضد انسانی امپریالیسم جهاننوا آمریکای روشنی می‌افکند و آنرا در برابر

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

دومین نمایشگاه هنری معلولین برگزار شد معلولین نیاز به توجه دارند

یک کارگرم معلول: مسئولین مملکتی معلولین را سر می‌دوانند



یکی از معلولین در حال کشیدن یک تابلو

دومین نمایشگاه هنری معلولین ایران در تالار رودکی برگزار شد. این نمایشگاه، که به مدت ۵ روز ادامه داشت، در برگیرنده دهها عکس، تابلو، ویتراژ و سایر کارهای دستی معلولین بود.

در اعلامیه‌ای که به مناسبت تشکیل این نمایشگاه، از طرف جامعه معلولین انتشار یافت، ضمن اشاره به دلیل تشکیل این نمایشگاه، آمده است: «... اعضاء جامعه در راه نیل به اهداف عالی این ارگان مردمی (جامعه معلولین ایران) با چنگ و دندان به چنگ سیاهی‌ها و ناپه‌ای‌های مردمی... ماه‌های اندیشه انسانی تک تک با زدن کنندگان در راه دستپاسی به رسالت جامعه یعنی بیرون کشیدن معلولین از گوشه منازل و کجکوتاه‌ها و دادن همگی آنها در فعالیت‌های آموزشی، ورزشی، هنری و اشتغال سازندگی به منظور خودآگاهی از شرف و الای انسان بودنشان نیازمندیم...»

در آغاز نمایشگاه سخنانی از امام خمینی، رهبر انقلاب، باساخت خوشی قراردادها پس از آن به ترتیب آثار مختلفی از معلولین شرکت‌کننده در نمایشگاه گفتگویی با خبرنگار «نام مردم» خواستار رسیدگی به وضع خود شدند. یکی از این کارگران بنام خسانم فاطمه هادیان، که در کارگاه معلولین حمایت شده دولت کار می‌کند، در این مورد اظهار داشت: «ما ماهیانه حدود ۶۰۰ تومان حقوق می‌گیریم کسان دیگری نیز هستند که با وجود ۹ سال سابقه کار هنوز دستمزد اندک

نامه «مردم» بزبان آذربایجانی را روزهای چهارشنبه هر هفته از کلیه کیوسکهای فروش نشریات بخواهید

شماره‌های گذشته نامه «مردم» از شماره یک تا صد برای فروش به طور تک شماره آماده است بدقت نامه «مردم» مراجعه فرمائید

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

فقط سیاست فعال ضد امپریالیستی در نفت بسود انقلاب است (۲)

بلوریکه میدانیم، انقلاب الجزایر اوایل دهه ۷۰-۱۹۶۰، پس از جنگ سلطانه علیه استعمار امپریالیسم فرانسه به پیروزی رسید. انقلاب لیبی نیز، اول سپتامبر ۱۹۶۹، رژیم سلطنتی دست نشانده سلطان ادریس اسرئوکون کرد و جمهوری انقلابی لیبی را برپا داشت.

هنگامیکه انقلاب الجزایر پیروز گردید، انحصار و امتیاز نفت الجزایر در دست شرکت نفتی فرانسوی بود. انحصارات نفتی آمریکایی نیز در آن کشور امتیاز نفت داشتند. انحصارات غارتگر نفتی طبق معمول الجزایر را بصورت مستعمره تک محصولی، که صدور نفت خام صادرات عمده آنرا تشکیل میداد، درآورده بود.

هنگام پیروزی انقلاب در الجزایر، صنایع نفت آن کشور در وضعی بود که الجزایریها از خود حتی متخصص نفت نداشتند. شرکت ملی نفت در آن کشور وجود نداشت. تقسیریا انحصار همه امور نفت و صنایع آن در دست فرانسویها متمرکز بود.

به محض پیروزی انقلاب، متخصصین فرانسوی صنعت نفت الجزایر را بقصد تخریب ترک کردند. امپریالیسم جهانی سیاست تخریب خرد نفت و اخلاص و کارشکنی در صنعت نفت الجزایر را، بعنوان تجربه اصلی برای از یاد آوردن انقلاب، به اجرا گذاشت. در مقابل با این وضعیت، دولت انقلابی الجزایر میتوانست در روش متفاوت درپیش گیرد: یکی آنکه مانند دوره ملی شدن نفت در کشورها، تن به سیاست انفعالی در نفت ندهد و با منافع «اقتصادی» خود، طمأنی را که امپریالیستها میخواهند به گردن انقلاب الجزایر بیافکنند، بیشتر بکشد. تجربه تلخ و عواقب این سیاست در دوران ملی شدن نفت ایران، به الجزایریها آموخته بود که چنین سیاستی خطرناک است و نتایج وخیمی ببار می آورد، که اجتماعا مقابله با آن برای دولت انقلاب دشوار و حتی امکان ناپذیر خواهد بود.

راه دیگری که در برابر دولت انقلابی الجزایر در نفت قرار داشت، این بود که، به اتخاذ سیاست فعال ضد امپریالیستی در نفت بپردازد، با تقویت و رشد همه جانبه صنایع نفت خود، با استفاده از کلیه امکانات در بازار جهانی نفت، با تکیه بر کمک فنی و اقتصادی دول سوسیالیستی، به شکست حلقه محاصره و تحریم خرید نفت ببادد و در صورت لزوم، با انحصارات نفتی را علیه خود خنثی کند.

دولت انقلابی الجزایر راه اخیر را برگزید. تجربه ثابت کرد که الجزایریها راه درستی را انتخاب کردند. با تکیه بر سیاست فعال ضد امپریالیستی در نفت آنها توانستند به تثبیت کامل پیروزی انقلاب خود و خلع سلاح امپریالیسم، انحصارات نفتی و دشمنان داخلی انقلاب نائل آیند.

یادآور شدیم که، هنگام انقلاب، الجزایر فقط صاحب صنایع استخراج و صدور نفت خام بود. اداره کامل صنعت نفت

نیز در اختیار متخضعین و کارشامان خارجی قرار داشت. دولت انقلابی الجزایر در برابر تحریک و توطئه دول و انحصارات امپریالیستی علیه خود، قبل از هر چیز به لغو قراردادهای امتیازی نفت پرداخت و سرعت دست بکار تشکیل شرکت ملی نفت «سولپاتر» و شرکت ملی نفت واپسته به آن شد. امروز این شرکت یکی از کارآمدترین شرکت ملی نفت در کشورهای نفت خیز در حال رشد است.

دولت الجزایر کاراوارده صنعت نفت را در تمام جهات آن ملی کرد. به سرعت به توسعه همه جانبه صنعت نفت در زمینه ایجاد پالایشگاهها، کشیدن لوله های نفت، استفاده از گاز، ایجاد بندرگاهها، تشکیل شرکت های مختلف ساختمانی، مهندسی و عملیاتی صنعت نفت، ایجاد صنایع پتروشیمی، صنایع ماشین سازی نفت و ایجاد صنایع جنی درجوار صنعت نفت پرداخت. ایجاد آموزشگاهها و دانشکده های نفت و بسیاری اقدامات آموزشی و فنی، کارهای دیگری بودند که دولت انقلاب الجزایر، بلافاصله پس از انقلاب، به آنها پرداخت و توانست سطح کارایی صنایع ملی شده نفت و گاز را پدیده غیر قابل مقایسه ای با دوران تسلط امپریالیست ها و انحصارات نفتی افزایش دهد.

دولت انقلابی الجزایر، همزمان با اقدامات وسیع در داخل، بمنظور رشد سریع و همه جانبه صنایع نفت، به بهره برداری از کلیه امکانات بین المللی پرداخت. استفاده از این امکانات به آن کشور اجازه میداد که تحریم اقتصادی انحصارات نفتی و توطئه دول امپریالیستی را عقیم سازد و به فروش و همکاری های بین المللی در بازار جهانی نفت نائل آید.

طبیعی است که دول امپریالیستی از هر نوع مقاومت و کارشکنی و اخلاص در برابر اقدامات دولت انقلابی الجزایر در توسعه و رشد صنعت خودداری نمی کردند. آنها قصد داشتند که با ادامه خرابکاری و متوقف نگاه داشتن فعالیت صنعت نفت الجزایر، انقلاب آن کشور را به شکست بکشانند و دوباره تسلط خود را بر نفت الجزایر برقرار سازند. لیکن سیاست فعال ضد امپریالیستی در نفت به دولت الجزایر اجازه داد که مقاومت مذکور را علیه امپریالیسم جهانی را علیه خود عقیم سازد.

آنچه در پیروزی دولت انقلابی الجزایر در حفظ انقلاب و موفقیت در امر نفت تأثیر جدی و اساسی داشت، این بود که، انقلابیون الجزایر به نقش و اهمیت پشتیبانی دول سوسیالیستی از انقلاب های ملی و استقلال طلبانه و آزادی بخش پدروستی آگاهی داشتند. آنها میدانستند و بخوبی درک میکردند که، تکیه بر همکاری فنی و اقتصادی کشورهای سوسیالیست هیچ وجه به معنی «وابستگی» نیست، بلکه وسیله موثر تقویت مواضع کشورهای از پندرتی در برابر تهاجم دول غارتگر امپریالیستی است. با درک این واقعیت بود که، انقلابیون الجزایر، چه در توسعه صنایع نفت و چه در دریافت کمک فنی و اقتصادی از این کشورها و معاملات نفتی با کشور های سوسیالیستی از کلیه امکانات استفاده کردند. با تکیه به کمک همین

کشورها بود که، الجزایر انقلابی توانست در کوتاه ترین مدت به ایجاد صنایع مستقل ملی نفت نائل آید و با استواری از انقلاب خود دفاع کند و اخلاص امپریالیستی را به شکست منتهی سازد. تجربه نشان داد که، تکیه الجزایر به همکاری های وسیع با کشورهای سوسیالیستی، بمنظور مقابله با توطئه های دول امپریالیستی و انحصارات غارتگر آنان، نه فقط به «وابستگی» الجزایر نیاچاید، بلکه نتیجه آن تحکیم استقلال و مواضع جمهوری الجزایر در برابر تهاجم امپریالیسم و اجبار دول امپریالیستی به شناسایی انقلاب و ندادن به روابط برابر حقوق با این کشور در زمینه های مختلف سیاسی، اقتصادی و مناسبات بین المللی بوده است.

تجربه موفق الجزایر از جانب دولت انقلابی لیبی نیز بکار برده شد. کشور اخیر هم در توطئه همکاری های وسیع خود با کشورهای سوسیالیستی توانست، با وجود امکانات محدود داخلی، بعنوان یک کشور مستقل نفت خیز موجودیت خود را به جهان امپریالیستی تحمیل کند. توطئه دول امپریالیستی علیه انقلاب لیبی در ده ساله موجودیت این جمهوری، بر اثر تکیه دولت انقلابی لیبی به اجرای سیاست فعال ضد امپریالیستی در نفت همیشه با شکست مواجه بوده است.

سیاست فعال ضد امپریالیستی در نفت در برابر تهاجم اقتصادی- نظامی امپریالیسم، هم از پیروزی انقلاب در کشورهای نفت خیز در حال رشد، خصالت عمیق رژیم های انقلابی در دوره اخیر است. تجربه صحت و درستی این سیاست را نشان داده و ثابت کرده است که نه با سیاست انفعالی، بلکه با تکیه بر سیاست فعال ضد امپریالیستی در نفت میتوان توطئه های دول امپریالیستی و انحصارات غارتگر نفتی را عقیم گذاشت. تنها با سیاست فعال ضد امپریالیستی در نفت میتوان پیروزی کامل انقلاب ضد امپریالیستی و خنثی را تأمین کرد و به رشد و شکوفایی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، بد کشور های نفت خیز در حال رشد نائل آمد.

ما در بررسی تاریخ مبارزات انقلابی در کشورهای نفت خیز در حال رشد در دهه اخیر، از انقلاب الجزایر به اینطرف، به کمر کشور پیروزی می کنیم که در مقابل با تحریکات دول امپریالیستی و انحصارات نفتی به سیاست انفعالی در نفت پناه برده باشد. همه کشورهای که به مقابله با تسلط امپریالیسم و انحصارات نفتی برخاسته و به طرد رژیم های دست نشانده نائل شده اند، مواضع انقلاب خود را از اتخاذ اجرای سیاست فعال ضد امپریالیستی در نفت، که مبتنی بر تکیه به امکانات رشد و توسعه صنایع ملی نفت در داخل و در بازار جهانی بود، انقلاب است. مستحکم ساخته اند. گمان نمیرود که ما نیز برای تثبیت پیروزی های انقلاب ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی خود، باید همین سیاست را در پیش بگیریم. عقل سلیم پذیرش شیوه دیگری، منجمله تن دادن به سیاست انفعالی در نفت، سیاستی است که ما آنرا در دوره ملی شدن نفت تجربه کرده و با نتایج آن آشنا هستیم. نمی پذیرد.

این بحث ادامه دارد

ضد انقلاب کتابفروشی حزب توده ایران در مبارکه را به آتش کشید

اعضای از عوامل وابسته به رژیم منحل شده پهلوی روز جمعه بیستوششم اردیبهشت، هنگام تشریح جنازه پنج نفر از شهدای وقایع کردستان توسط اهالی مبارکه درین شهر و دوستان آن اطراف اصفهان، به کتابفروشی حزب توده ایران حمله کردند.

این عناصر پس از تهاجم به یوسوهای حزب توده ایران، در کتابفروشی را، که تمطیل بسود، شکستند و تمام کتابها، پوستها و نشریاتی را که در بین آنها آتاری از امام خمینی، آیت الله لسانی و دکتر شریعتی بود، به آتش کشیدند. آن ها و شرکای آنها، قفسه ها، میز و صندوق را خراب کردند و از اطباء حریق توسط ماشینهای آتش نشانی نیز جلوگیری بعمل آوردند. بطوریکه درخبر آمده است، عامل اصلی تحریک شخصی بنام محمد ساکن ریز بود، که به محض خلوت شدن جلو کتابفروشی، با ماشین توپو تا سفید رنگ شماره ۳۱۳۶ صحنه را ترک کرد.

نام مردم - آیا سازمان مأموران انتظامی برای جلوگیری از این اعمال ضد انقلابی دستگیری و مجازات عناصر ضد انقلابی اقدامی بعمل نتوانند آورد؟

نامه «مردم» به زبان آذربایجانی منتشر شد

سی و سومین سال شهادت فریدون ابراهیمی فرزند بر و مند خلق آذربایجان

پاسخ رژیم به رزمندگان آزادیخواه است که کتوشلوار مشکی را که هنگام عزیمت به پاریس، جهت شرکت در کنفرانس صلح تهیه کرده بود، برایش بزنند و بفرستند. در تمام طول شب اعدام بارفتای خود سبکت کرد. او از وظیفه انسانیت نسبت به اجتماع و خلق واز شیرینی زندگی توأم با مبارزه سخن ها گفت. سحرگاه، پس از اصلاح صورت، کت و شلوار خود را بپوشید و رفت و بر تن کرد و کراوات سرخ رنگش سلیقه را بخرج میداد. او در مقابل تعجب بعضی از رفقا گفت:

«ماتام زندگی خود را با پایکی و شرافت گذرانده ام، چرا باید زیر چوبه دار باحالی پریشان ظاهر شوم؟»

فریدون ابراهیمی در ساعت ۴ صبح روز اول خردادماه ۱۳۲۶، در خیابان ستارخان تبریز، جلوی باغ گلستان اعدام شد. او با کامیابی محکم بستم چوبه دار رفت و با حالتی تمسخر آمیز و نکامی پر از نفرت به جلاوران حکم کرد که طاب را به گردنش ببندند.

در این روز خلق آذربایجان در ماتم فرودت. جوانان مبارز در تبریز صحت به تظاهرات اعتراض زنده و کمیته های انتقام، تشکیل دادند.

فریدون شبیه شد. ولی مبارزه خلق در راه هدف مقدس او هرگز متوقف نشد و سرانجام انقلاب ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی ما را به پیروزی رسانید. بی سرم آزادی در اطراف مزار او دیگر قهرمانان شهید خلق برافراشته خواهند شد. و مبارزات این قهرمانان راه گشای خلق ما به سوی صلح و سعادت خواهد بود.

فریدون ابراهیمی، چون دیگر شهیدان توده ای و خلق در قلب توده ها جاویدان است.

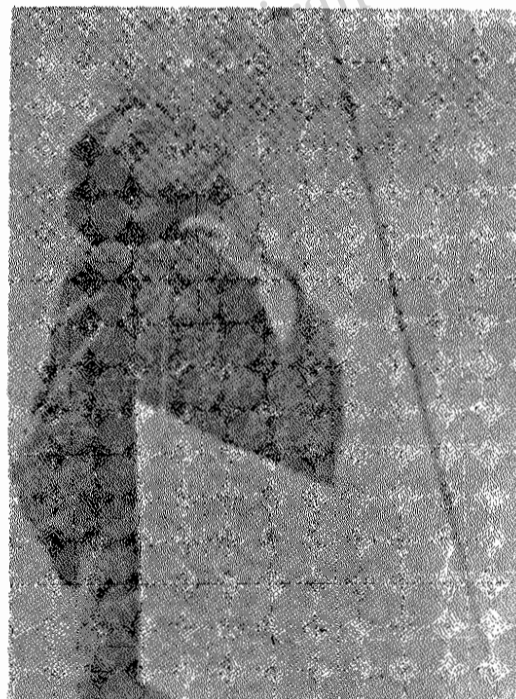
حاکمه مرتجع تهران میباشد، که بستور اربابان امپریالیست خود عمل میکنند. امروز دست و پای خلق ما، این کارگران و دهقانان زحمتکش و همچنین زنان و قلم روشنفکران ما بسته است. اما این زنجیرهای اسارت همیشگی را بکنیم. گمان نمیرود که ما نیز برای تثبیت پیروزی های انقلاب ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی خود، باید همین سیاست را در پیش بگیریم. عقل سلیم پذیرش شیوه دیگری، منجمله تن دادن به سیاست انفعالی در نفت، سیاستی است که ما آنرا در دوره ملی شدن نفت تجربه کرده و با نتایج آن آشنا هستیم. نمی پذیرد.

فریدون ابراهیمی مدت ششماه تحت سخت ترین شکنجه ها زندانی بود. او تا مسخیتبارا تحمل میکرد و با افتخار میگفت:

«من بهترین سالهای عمر را در راه آزادی و سعادت زحمتکشان آذربایجان و سراسر ایران صرف نموده ام. در این مدت تلاش کرده ام این وظیفه خود را شرافتمندانه انجام دهم. من در میان شمله های مبارزات خلق تربیت شده ام. از این رو خود را در خدمت خلق میدانم و براه مبارزه منطقی که در پیش گرفته ام افتخار میکنم. در این مراحل آخر مبارزه نیز اراده و جسارت خود را حفظ خواهم کرد.»

وی در دفاعیات خود در بیادگاه رژیم شاه مخلوع با قاطعیت از حق تناس خلقها و زحمتکشان ایران دفاع کرد و جنایات امپریالیسم نوکران سرسپرده داخلی شان را افشاء نمود. او در قسمت از سخنان خود گفته بود:

«آینده از آن کسانی است که عرق ریزان کار میکنند. گمانیکه دستپاچگان از شدت کار بی بهره است. این مستهای یکه بسته درهای تهم زدن آنها و کشیده گاهها را خواهند گشود و تمام جلاوران و ستمکاران را نابود خواهند کرد. روزی خواهد رسید که قاصی گمانیکه خلقهای ایران را از حقوق خود محروم نموده، فرهنگ و افتخارات ملی آنها را گندمال کرده اند و برای پر کردن جیبها و گیشه های خود از طلا انسانهای زحمتکش را تحت استثمار قرار داده اند، مجبور به جوابگوئی به جنایات و خیانت های خود در مقابل خلق خواهند شد.»



فریدون ابراهیمی، فرزند قهرمان خلق آذربایجان، بر فراز چوبه دار

داستان کل آذربایجان منصوب شد. **فریدون ابراهیمی** در مذاکرات هیئت نمایندگی دولت آذربایجان با هیئت نمایندگی دولت قوام السلطنه، که در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۲۵ در تهران انجام میشد شرکت داشت. این مذاکرات، پس از پاساژ روز، بدون نتیجه پایان یافت.

وقتی شاه مخلوع در ۲۱ خردادماه ۱۳۲۵، به انقلاب خلق آذربایجان وحشیانه حمله کرد، فریدون ابراهیمی، همراه با تعدادی از رفقای خود، در داخل ساختمان کمیته مرکزی سنکر گرفته بودند و پس از ۳۴ ساعت نبرد سلحشانه دستگیر شدند. او در زندان می گفت: «هرگز از دولت و شاه طلب مرگ امثال من هستم، هیئت

و سایر مطبوعات مترقی بچاپ میرسید. پس از مدتی از زندان تبریز به زندان قصر قاجار در تهران انتقال یافت و پس از دو سال بملت مرضی از زندان مزخص و به نهادهای تبعید شد. وی در تبعید نیز دست از مبارزه نگذاشت. در دوران جنگ دوم جهانی، زمانی که مبارزات خلق در ایران دوباره قوت می گرفت، در سال ۱۳۲۳ تشکیلات حزب توده ایران را در نهادهای تبعید گذاشت. در آذرماه ۱۳۲۵ مجدداً دستگیر و زندانی شد و تحت شکنجه های سخت قرار گرفت و پس از آزادی در آذرماه ۱۳۲۷ مسموم و کشته شد.

زندگی فشرده ابراهیمی، که سراسر مبارزه در راه استقلال میهن و آزادی خلق و علیه امپریالیسم و ارتجاع بود. در تربیت و شکل گیری جهان بینی پس از فریدون ابراهیمی تأثیری بسزا داشت.

فریدون ابراهیمی در سال ۱۳۲۰، زمانی که در دانشکده حقوق دانشگاه تهران مشغول تحصیل بود، به صفوف حزب توده ایران پیوست. وی در جنبش دانشجویی شرکت فعال و مؤثر داشت. وی فعالیت های ادبی خود را از سالهای اول ورود به دانشگاه آغاز و بزودی شروع به نوشتن مقالات سیاسی کرد.

در سال ۱۳۲۲، پس از تاسیس روزنامه آذیر، توسط سید جعفری پهلوی شروع به همکاری با این روزنامه کرد و در همین سال به عضویت هیئت تحریریه درآمد. فریدون در مقاله های خود به انتقادات امپریالیسم و سرسپردگان داخلی آن میرداخت. وی همزمان با فعالیت در روزنامه آذیر، مقالاتی نیز برای مجله «تشریفات» حزب توده ایران می نوشت. این مقالات بطور منظم در ارگان رسمی حزب، روزنامه «رهبر» روزنامه ضد فاشیستی «مسرد» و روزنامه ظفر» ارگان رسمی شورای متحد مرکزی اتحادیه های کارگران و زحمتکشان ایران

فریدون ابراهیمی در اولین کنفرانس فرقه دمکرات آذربایجان، که در ۹ بهرمه ۱۳۲۴، با شرکت ۲۳ نفر از نمایندگان خلق آذربایجان در تبریز تشکیل گردید، شرکت داشت. پس از تشکیل مجلس مؤسسان، هیئت حکومت ملی خلق آذربایجان، که از ۳۹ نفر تشکیل میشد و سید جعفری پهلوی در راس آن قرار داشت، تعیین گردید.

فریدون ابراهیمی نیز جزو این هیئت انتخاب و سپس بسمت

فریدون ابراهیمی در بیادگاه گاهها فریاد زد، دستهای پینه بسته درهای تمام زندانها و شکنجه گاهها را خواهند گشود و جلاوران و ستمکاران را نابود خواهند کرد.»

سی و سه سال پیش، ساعت ۴ صبح روز اول خرداد، در خیابان ستارخان تبریز، جلوی باغ گلستان، مردی با کامیهای استوار به طرف چوبه دار رفت. وقتی به چوبه اعدام رسید، نگاهی پر از نفرت به دشمنان انداخته و به آنها فرمان داد:

«ظناب را بگسردم و بیاندازید...»

دقایقی بعد، زیر او لیبس انوار آفتاب، که می دمید، ستاره های دیگر در آسمان رژیم خلق ایران جاویدان میشد، **فریدون ابراهیمی**

امروز سی و سه سال از شهادت رفیق قهرمان توده ای، فرزند برومند خلق آذربایجان، عضو کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان، نماینده مجلس ملی آذربایجان، دادستان کل آذربایجان در دوران حکومت ملی، **فریدون ابراهیمی** میگذرد.

فریدون در ۲۹ آبانماه ۱۲۹۷ در شهر آستارا متولد شد. پدرش غنی ابراهیمی از روشنفکران دوران آسمان رژیم در سال ۱۲۹۷، پس از تشکیل فرقه عدالت در رشت، به رهبری **میرزا محمد آخوندزاده** (سیروس) مبارزه به تاسیس تشکیلات فرقه عدالت در آستارا کرد. وی در تیرماه ۱۲۹۹، پس از شرکت در اولین کنفرانس فرقه عدالت در شهر انزلی و بنیانگذاری حزب کمونیست ایران، تشکیلات این حزب در آستارا پایه گذاری کرد.

غنی ابراهیمی بارها به جرم فعالیت های کمونیستی دستگیر و زندانی شد. در اواخر سال ۱۳۱۰ توسط ساواک به پلیس اردبیل

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

مقامات دولتی و مسئولان نهادهای انقلابی میگویند:

استاندار کهگیلویه و بویر احمد:

فوداها و خوانین در این استان هم هستند و زمینهای زیادی هم دارند. ما حتی مواردی داریم که مالکین و فوداها همه از انقلاب برگشته و زمینهایشان را پس گرفته اند و زمینهایی داریم که نه مالک آنها را کشت می کند و نه کشاورزها حتی بر سر زمین، دعوای صد ساله در این استان داریم.

وی افزود: برای توسعه کشاورزی پولی در اختیار ما نگذاشته اند، البته مقدار ناچیزی پول در بانک کشاورزی بود که نمی توانیم با آن کشاورزی را توسعه بدهیم. من پیشنهاد می کنم دولت بتواند کمک به کشاورزان کمکهای جتنی بدهد و در کشت و برداشت به آنها کمک کند.

وی افزود: ما در این استان ۱۴۰۰ پارچه روستا داریم که رسیدگی به مسائل آنان بسیار مشکل است. زیرا این روستاها پراکنده هستند و راههای بین شهرها و حتی بین روستاها وجود ندارد. اینست که مردم این منطقه باید شرکتی تعاونی تشکیل دهند و با کمک یکدیگر مشکلات خود را حل کنند. زیرا با نبودن راه، یکی از بزرگترین مشکلات روستاهاست. من همیشه سعی می کنم آنها را به تشکیل شورای تعاونی تشویق کنم.

دادستان انقلاب اسلامی بابل:

بدلیل شکایات متعدد فوداها و بزرگان مالکان و سرمایه داران و وابستگان و عمال رژیم قبل و متهمان دادسرا و خانواده های مدمومین دادگاه انقلاب که با مدمومی پاره ای از دست اندازان قدرت و مقام توانسته بودند، هر روز بدفع دادستان کل انقلاب اسلامی ایران پرونده مورد حمایت قرار گیرند، مورد حمله قرار گرفتیم.

آنها فوداها می بودند که تا دیروز فاطمه پهلوی و رئیس دفتر او (سرهنکه زین العابدین شکرانی) تمام مردم منطقه را با ستاره شام کشته و مورد تجاوز خود قرار داده بودند و هر یک از آنها طبق مدارک موجود سابقا حدود یک میلیون تومان از محل برداشت نصفه کاری زمینهای فاطمه وارثش خانی در آمد داشتند.

کفر کرد دادسرا در مدت چهار ماه گذشته بطور بسیار خلاصه به شرح زیر میباشد:

۱- مبارزه با فاطمه و وابستگان و سر سپردگان رژیم قبل و به محاکمه کشیدن آنها.

۲- مبارزه با امان و دائم با فوداها و بزرگان و به بند کشیدن آنها که با دستگیری هر یک از آنان سیل سفارشات و توصیه های تلفنی و کتبی بسوی دادسرا می آید. اینگونه توصیه ها و نود آنها به دیواری از هر گونه اعمال نفوذی نمی رسد. چنانچه در این باره متعاقب این مبارزه بود که پیش از آن از ارتشکات زمینهای این فوداها بین کشاورزان بی زمین تقسیم گردید و از همین رو بزرگترین کانون توطئه بر علیه من و دادسرا شکل گرفت.

روستای اجگرد در بین روستاهای اطراف خود از جمعیت و وسعت بیشتری برخوردار است. این روستا در مجاورت با رودخانه زاینده رود قرار دارد و به خاطر استفاده از آب رودخانه و نیز چاههایی که در قسمت جنوبی روستا حفر شده، از منابع آب کافی برخوردار است. قبل از انقلاب، بطور عمده زمینهای حاصلخیز این روستا در دست چهار مالک بزرگ قرار داشت.

بعد از انقلاب، کشاورزان این روستا برای بازیس گرفتن زمینهای خود به مبارزه پرداختند و بالاخره با اتحاد خود موفق شدند اسامی، قبل از کشت محصول، زمینهای مالکان را در زیر کشت ببرند. کشاورزان به خاطر اجرای فرمان امام خمینی مبنی بر تولید بیشتر و خودکفایی، زمینهای را که مالکین یونجه کاشته بودند، مجدداً شخم زده و کندم کاشته اند. و نیز برای بازدهی بیشتر زمینها، با توافق همدیگر، از قسمت کردن

دروستای اجگرد از توابع کلیشاد اصفهان

روستائیان با اتحاد خود زمینهای مالکین را بازیس گرفتند

که روی زمین کار می کند، میکوبند: من تا قبل از سال ۴۳ برای خودم زمین داشتم. در آن سال زمینهای را غصب کردند و پانزده سال بدون زمین بزرگ بودم. ولی حالا بکلمه بقیه دوباره به حق خود رسیدم.

کشاورزان می گویند: قبل از سال ۴۳ نیز ما در زمینهای که داشتیم، کشت و کار می کردیم. ولی از زمان اصلاحات ارضی ملوکانه، این رسم برچیده شد. محمدتقی مظاهری، کشاورز ۶۰ ساله ای

۱۰۰ تومان هم پیدا نمی کنیم. از طریق شورای محل توانستیم از شهر مقداری کود شیمیایی گیر بیاوریم، ولی بهر کلام یک کیسه بیشتر نرسید، که آنهم کافی زمینها را نمی دهسد. تولید تعاونی در روستای اجگرد نمونه ای از آگاهی روستائیان است. این روستائیان با تولید جمعی بر روی زمینهای ارباب زمینهای عینی برای همبستگی و دفاع جمعی از منافع خود ایجاد کرده اند. این روستا می تواند نمونه ای از یک فصل کرد آگاهانه در جهت لغو قراردادهای استثمارگری بزرگ مالکی باشد. هم اکنون که این روستائیان با اقدام انقلابی خود سرهای محکم بر بنیادهای یوسیده گذشته زده اند، باید بطور همه جانبه توسط مقامات مسئول حمایت شوند. با کمک مالی به آنان و تهیه وسایل ضروری، کشاورزان این واحد تولیدی را برای پیشرفت اقتصاد سالم روستا، حفاظت و حمایت کنید.

اخبار دهقانی



دهقانان! اتحاد خود را حفظ کنید والا باز، خان و خان بازی راه می افتد.



دهقانان چندین روستای استان خراسان برای احقاق حقوق خود، دست به تظاهرات با شکوهی در جلوی دادگستری مشهد زدند

به خواست دهقانان آشاخان پاسخ گوئید

خانگه، تابع دهستان ویکلیو بخش نمین است. دهقانان این روستا (تعداد جمعیت روستایی ۱۵۰۰ نفر) برای دریافت حقوق خود به اعتراض و شکایت دست زدند. این شکایاتپس از چندین بار انجام گرفته است. و متأسفانه دهقانان هر بار بدون نتیجه و با تأمیدی به روستای خود بازگشته اند. خواست اساسی آنان زمین، آب، بذر و تراکتور است. رفع کمبود زمین و وسایل تولید در این روستا و رسیدگی به خواست دهقانان ضروری است. با توجه به اینکه بخش سیم جمعیت روستایی را در این ده دهقانان کوزمین و بر زمین و دهقانان خرده ما تشکیل میدهد، عدم رسیدگی به خواست های آنان، بی تفاوتی و بی اعتنائی به اکثریت جمعیت زحمتکش

دهقانان تا کستان

در بند اسارت مالکان بزرگ

کدخدا ودلال معاملات یکی از وکلای مجلس فرمایشی شاه مخلوع بوده است، یادآور شد. در دوران که بیروزی انقلاب بدنبال شرکت وسیع اقشار مردم و طبقات مردم ضمیم گردیده بود وی با یک مانور حسابشده، نظر یکی از شخصیت های برجسته راجلب و حکم کدخدائی خود را مجدداً دریافت میکند. وی هم اکنون شیوه های ضد دهقانی و ضد مردمی خود را ادامه میدهد. اعمال ضددهقانی این مالک بزرگ کوزناکون است. فداکاری و فقه افکنی در بین گروه های روستایی نمونه ای از این اعمال است که منجر به درگیری های در روستا شده است. درگیری های که تاکنون بدست این فرد انجام گرفته، منجر به مرگ چند روستائین شده است. ادامه حضور این نوع افراد، که فقط در خدمت تسلط استثمار مالکان بزرگ و ایجاد تشنج و درگیری و جنگ حیدری و نعمتی در روستاها هستند، نمی تواند برای اتحاد و انقلاب و حفظ دستاوردهای آن بدون خطر باشد.

آب مزروعی این روستا از میان زمینهای کدخدا میگردد، و کدخدا با اعلام مالکیت بر آب مزروعی، هرگونه اعمال فشار و زور به روستائیان را محق طبیعی خود میداند. دهقانان برای ادواری به اعتراض و شکایت متوسل شده اند و همچنین برای دفاع از حقوق خود دست بیک مبارزه علیه کدخدا زدند. مبارزات آنان تا لغو مالکیت مالک بزرگ بر زمین و آب ادامه خواهد داشت، زیرا بدون حل مسئله ارضی و ملی کردن مالکیت بر آب، مشکلات این روستائیان حل نخواهد شد.

استوهای رژیم منحوس پهلوی بر اساس آن استوار گردیده بود. اخباری که از روستاهای این بخش به دفتر نامه مردم ارسال شده است، بیانگر این واقعیت است که روابط غیرعادلانه گذشته در این روستاها هنوز حفظ شده و در برابر خواست دهقانان، که جایگزینی نظام نوین را می طلبد، مقاومت میکند. روستائیان سراسر (روستایی در دهستان قاقازان در بخش تا کستان قزوین) از وجود مالکان بزرگ و سیستم بهره کشی آنان رنج می برند. جمعیت این روستا مطابق با آمار سال ۱۳۵۰ به ۲۸۰ نفر میرسد.

این جمعیت روستایی در دوران تمدن بزرگ آریامهری و بدنبال سیاست ضددهقانی رژیم شاه مخلوع تقلیل یافت. تمام شیوه استثمارگرانه بزرگ مالکی در تولید روستایی منافع دهقانان این روستا را بطور جدی تهدید می کند. با اینکه قانون واگذاری زمین به دهقانان تبیست در تاریخ ۸ اسفندماه ۵۸ در شورای انقلاب تصویب گردید، بملت عدم پیگیری در اجرای قانون، استثمار بزرگ مالکان و حضور آنان در اقتصاد این روستا، همچنان باقیست. در نتیجه دهقانان وادار به شکایت علیه روابط موجود شده اند. روستائیان در شکایت خود، از مقامات مسئول خواستار رسیدگی جدی به مسئله زمین و اجرای قانون سوبه شورای انقلاب شده اند. دهقانان سراسر می خواهند آنچه که مرشون یا مرجین، روستای دیگری از دهستان قاقازان، شاهد تفریباتی دهقانان از مدیریت شرکت تعاونی روستایی است. مسئول شرکت تعاونی این روستا (این شرکت چندین روستای دیگر را زیر پوشش خود گرفته است) با حیف و میل اموال شرکت، حقوق دهقانان را پایمال کرده است. دهقانان با درک این واقعیت که جامعه بعد از انقلاب نمی تواند حافظ روابط

با اتکا به پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تأمین حقوق ملی خلق کرد، بسود انقلاب ایران حل کنیم

فقر، مادر تمام بدبختی‌هاست

ما می‌خواهیم بر مناسبات میان کارگر و کارفرما ضوابط عادلانه‌ای حاکم شود.

مسائل کارگری

باید به خواست‌های کارگران توجه کنند. همه می‌دانند که فقر مادر تمام بدبختی‌هاست. ما می‌خواهیم که بر مناسبات میان کارگر و کارفرما ضوابط عادلانه‌ای حاکم شود و با تدوین قانون کار جدید، با شرکت نمایندگان منتخب کارگران، به سلطه توانمند کارگری روی رژیم شاه مخلوع پایان داده شود.

باید به خواست‌های کارگران توجه کنند. همه می‌دانند که فقر مادر تمام بدبختی‌هاست. ما می‌خواهیم که بر مناسبات میان کارگر و کارفرما ضوابط عادلانه‌ای حاکم شود و با تدوین قانون کار جدید، با شرکت نمایندگان منتخب کارگران، به سلطه توانمند کارگری روی رژیم شاه مخلوع پایان داده شود.

هیئت مدیره سندیکای کارگران خطوط لوله و مخابرات نفت ری، در ارتباط با مساله دولت انقلاب و تأمین منافع کارگران و زحمتکشانی، نظریات درستی ابراز داشته، که به لحاظ طرح مسائل حساس کنونی ذیلا درج می‌شود:

دولت در یکسال گذشته در جهت تأمین منافع کارگران و زحمتکشانی چه قدمهایی برداشته است و در شرایط کنونی چه کاری باید انجام دهد و وظایف یک دولت انقلابی در جهت تأمین منافع کارگران چگونه باید ارزیابی شود اینها سئوال‌هایی است که کمربین بین کارگران کشور ما مطرح است و ما سعی کرده‌ایم پاسخهایی را برای آنها بسندیکای کارکنان داروخانه‌های آذربایجان شرقی:

ما خواهان تشکیلات واحد سرری سندیکاهای ایران هستیم

اخبار کارگری

بدهوت سندیکای نسخه‌پیمان و کارکنان داروخانه‌های آذربایجان شرقی، روزجمعه ۲۶ اردیبهشت، در محل این سندیکا در تبریز، اجتماع با شکوهی تشکیل شد.

در این اجتماع که نمایندگان اداره کار و سازمان بیمه‌های اجتماعی نیز در آن شرکت داشتند، دبیر سندیکا پیرامون وظایف ضدهم‌ریالیستی، وحدت سندیکایی و تشکیل کارگران سخنانی ایراد کرد و نماینده سازمان بیمه‌های اجتماعی به سئوال‌های کارگران پاسخ گفت.

در پایان این اجتماع قطعنامه‌ای انبوهی شرکت کنندگان صادر شد و طی آن خواست‌های کارگران شرح زیر مطرح شد:

- ۱- ما با قاطعیت تمام از قطع و پستی و دروازه‌های سیاسی اقتصادی با امریالیسم جهان‌نوا آمریکای پشتیبانی می‌کنیم. هر گونه تهاجم نظامی و محاصره اقتصادی امریالیست‌ها را در هم خواهیم شکست و تا پای جان از استقلال و تمامیت ارضی کشور خود دفاع می‌کنیم.
- ۲- ما از دولت انگلیس قاطعانه می‌خواهیم هر چه زودتر مهاجرت اشغالگری سفارت ایران را در لندن را به مقامات دولتی ایران تسریل دهد تا در پیشگاه ملت ایران محاکمه شوند.
- ۳- ما توسطه‌های دولت بهی‌عراق را در ایجاد آشوب و ناامنی در شهرهای مرزی خود شدیداً محکوم، و از هم میهنان ایرانی رانده شده از عراق با آغوش باز استقبال می‌کنیم.
- ۴- ما خواهان تأمین هر چه زودتر خدمات درمانی رایگان

کارگران حمل و نقل بزرگ ایران:

طرح طبقه بندی مشاغل و افزایش دستمزدها را اجرا کنید.

از دیگر مشکلات عمده این شرکت، عدم رضایت رانندگان است. رانندگان خواستار تغییر در بهبود دستمزد و افزایش ساعات کار و آنرا عادلانه نمی‌دانند.

فصلیت فست مونتاز و گیربکس از سایر قسمت‌ها (شستشو، مونتاز، عملیات، باطری‌سازی، لنت، تانک‌سازی، کنترل نهائی و...) چشمگیر است. ولی علی‌رغم فعالیت در جهت گسترش تولید کارگران از سطح نازل حقوق خود بهشت ناراضی‌اند (میزان متوسط حقوق کارگران این شرکت ۲۳۰۰۰ ریال است).

کارگران شرکت حمل و نقل بزرگ ایران خواستار پیاده شدن طرح طبقه بندی مشاغل و افزایش دستمزدها هستند.

بدنیال درخواست مسدود دولتی شرکت حمل و نقل بزرگ ایران در مورد افزایش تولید و برای انداختن ماهیها، کارگران فعالیت گسترده‌ای را شروع کرده‌اند.

برخی از کارگران موقت پیش از مساله است که در این کارخانه کار می‌کنند، ولی اخراج و استخدام مجدد باعث شده است که سابقه کار آنها کم‌کم پامال شود. یک کارگر موقت در مقابل کارمندی باید کارگر رسمی، کمتر از نیمی از دستمزد او را دریافت می‌کند، و نگاهی چون ما کارگران موقت همیشه از این میترسیم که با کوچکترین بهانه اخراج شویم، مجبوریم ترین بهانه کارها را انجام دهیم. گذشته از این، ما را در معرض تهمیسات اجتماعی بسیاری نیز قرار می‌دهند، مثلاً به حدود پانصد نفر از کارگران رسمی روزانه یک شیشه شیر تعلق می‌گیرد. اما

هیچکس نیست که گوش شنوایی برای شنیدن حرفهای مآدانته باشد. چنین است که برای اعیال فقار بیشتر بر کارگران موقت، از تاریخ ۵۹/۲/۱۵ تعداد همیشه از کارخانه اخراج کردند، بدون آنکه حتی مزدشان را پرداخته باشند!

ازدادن شیره به ۶۰ کارگر روزمزد در یک میوزن، «ما کارگران با پشت خود با تانک و توپ شامو عمل امریالیسم مقابله کردیم و در عمل نشان دادیم که شهامت و غرور و شخصیت داریم آیا سزاوار است که حالا به طور شخصیت ما کارگران را خرد کنند مادامی که نه تنها خود حق داشتن نماینده نداریم بلکه در ضمن در شورای کارگری کارخانه هم اجازه شرکت به ما نمی‌دهند، بسیاری از ما که از اخراج و استخدام دائم مستأصل شده‌اند، حاضرند کتباً تمهید سپارند که از تقاضای استخدام رسمی صرف نظر می‌کنند، تا بتوانند بکار خود ادامه دهند.

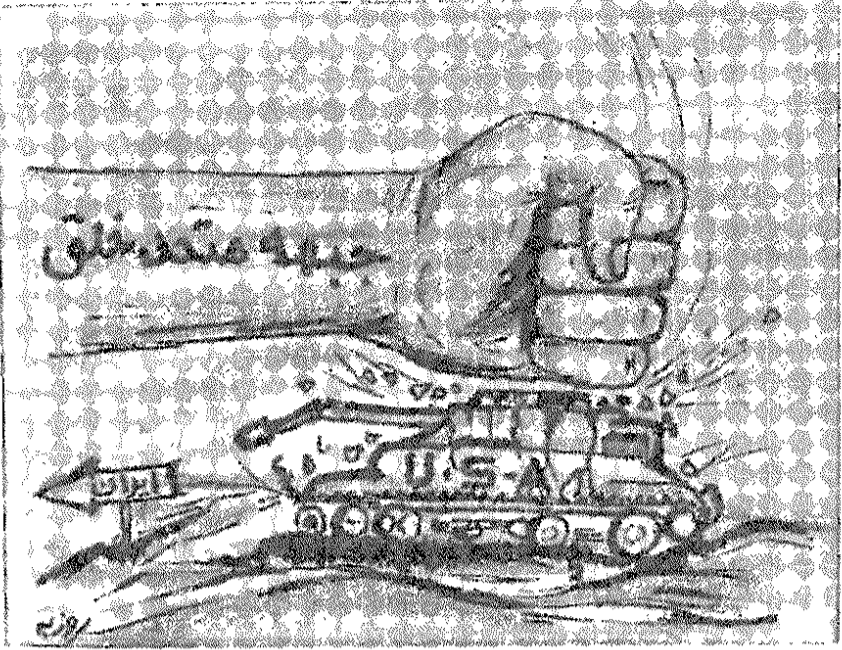
چرا کارگران موقت را رسمی نمی‌کنند؟

نیروگاهری، واقع در باقر-آباد، همانند بسیاری کارخانه‌ها و کارگاه‌های دیگر از جرموداران کارکن پیکار سوء استفاده می‌کند. این کارخانه دولتی تعداد زیادی از کارگران خود را به صورت روزمزدی بکار می‌گیرد، ولی پس از ۷۵ روز آنها را اخراج می‌کند، یکی دو هفته بعد دوباره و این بار تحت نام دیگری، آنها را استخدام می‌کنند. هدف از این اخراج و استخدام مجدد با نام دیگر، شانه خالی کردن از زیر بار پرداخت حق بیمه، بازنشستی و سایر حقوق یک کارگر رسمی است.

یکی از کارگران گفت: «من خود یکی از همین کارگران هستم و باید بگویم که ماهانه یکصد و پنجاه تومان حق بیمه از من و سایر کارگران مولتی کسر می‌شود. در ضمن کارخانه به این وسیله به ما امکان نمی‌دهد که در آنجا بتسوان کارگر رسمی کار کنیم.

نگاجوب: جلو میلیونها ریال ضرر را باید گرفت

شرکت «نگاجوب» بین شهرستان ساری و نسا قرار دارد و مالیه است که با همکاری کشور رومانی برای نگهداری از میلیونها حکاکار جنگل در مناطق شمال کشور مشغول بکار است. چندین اذین از کارگران، جنگل‌بانان، رانندگان و عده‌ای از متعصبین رومانی به امور جنگل‌بانی اشتغال دارند. کارگران درخت‌هایی را که در صنایع خود را کرده‌اند، با نظر متخصصین قطع می‌کنند و به جای آنها نهالهای جدیدی فرس می‌کنند. در سراسر جنگل‌ها در هر جنگل و مناطق سبب لهور کوهستانی احداث می‌شود، تا حمل و نقل درختان مرتفع و عظیم‌الجثه جنگلی بوسیله ماشین آلات متکین امکان پذیر شود.



قصه فقر و کار

کسی نمیداند کارگران کورده‌پز خانه‌های قم چقدر حقوق می‌گیرند؟

نوروز ما را دست‌جمعی با زن و بچه‌هایمان از تربت حیدریه به اینجا آورده‌اند. در تمام این دو ماه اصلاً حقوقی بمانده‌اند، فقط هر هفته حدود ۱۰۰ تومان به عنوان مساعده داده‌اند. ما از این اجحاف و بی‌اعتمادی کردن حقوقمان به کجا شکایت ببریم؟ هیچکس از اینجا نمی‌داند، صبح تا شب باید بجای بکنیم، با هزار محنت. کارفرمایان می‌خواهند بعد از اینکه کار تمام شده، هر چند که دلشان خواست، حقوق برای ما تعیین کنند. ما به این ستم آشکار کارفرمایان اعتراض کردیم از آنها خواستار پرداخت حقوق قانونی خود شدیم که لااقل هر ۱۰۰۰ آجر را ۱۰۰۰ تومان بدهند لیکن کارفرمایان همین را قبول ندادند. بمانی گویند، اگر نمی‌خواهید بروید و ما بجای شما افتناهارا استخدام می‌کنیم که به حرف‌های شما گوش دهد.

کار می‌کنیم هیچکس حقوق و مزایای ما را نمی‌داند. حتی میزان حقوق ما را معلوم نکردند و هر وقت که ما را می‌گویند که فلان دستمزد معلوم نیست، هر وقت که کورده‌پزهای بزرگ‌جای دیگر می‌زان دستمزد را تعیین کردند، ما هم یک کاری می‌کنیم کارگران قطرونز-های را که کار کنند حقوق می‌گیرند، حتی اگر یک روز جمعه بود و یا یک جای دستشان کوچکترین زخمی برداشت، حقوق ندارند! هر کدام از کارگران با ۷-۸ نفر اعضاء خانواده‌شان که اینجا کار می‌کنند، می‌توانند چهار روزی، ۱۰۰۰ آجر بزنند و پول صاحب یکی از کورده‌ها، هر ۱۰۰۰ آجر را ۱۰۰۰ تومان بدهند بزنند ما از ۵۵۰ تومان تا ۶۵ تومان ۷۰۰ تومان می‌دهیم!

کل این کارگران که در حال مبارزه بخاطر احقاق حقوق خود هستند، حدود ۹۰۰ نفرند. پیش از آنکه کارگران برای بیان خواستهای خود در منزل آیت‌الله پسندیده جمع شوند، با بارها به مقامات مسئول، از جمله به اداره کار مراجعه کرده بودند، ولی هیچکس از این مقامات به کار آنها رسیدگی نکردند. کارگران در شرایط سخت و طاقت فرسائی زندگی میکنند. از تمام مزایای زندگی مناسب برای یک انسان معمولی محرومند. هر ۷-۸ نفر از این کارگران در اطراف محقر که به بی‌غولهای سیاه و سولوی زندان‌مانند است ساعتی رابه استراحت می‌گذرانند. ساعات کار کارگران معلوم نیست، صبح تا شب و شب تا صبح! باور کردنی نیست، ولی خود کارگران، این فشار و محنت طاقت فرسا را با زور کرده‌اند. آنان ساعت ۵ صبح که از خواب برمی‌خیزند ناظر، در هوای گرم و مرطوب قریبا، به چیدن آجرها و آخورده درست کردن برای کل کردن خاک، مشغول میشوند. پس از غروب آفتاب تا ساعت چهار پس از نهمبش به کل کردن و قالب زدن آجرها می‌پردازند. یکی از کارگران که از اطراف مشهد آمده است می‌گفت: «ما ۵-۶ ماه پیش که ما اینجا

کارخانه تولیدارو، واقع در تهران، به خسرو شاهی تملق دارد. او در جریان انقلاب متواری شد و هنوز تکلیف کارخانه معین نشده است.

کارگران تولیدارو مشکلاتی دارند و بارها تقاضا کرده‌اند که بوضع آنها رسیدگی شود. کارگران اخیراً اعلامیه‌ای انتشار داده‌اند که:

دما کارگران تولیدارو خواستار مشخص شدن وضع مالکیت کارخانه هستیم رنمی‌خواهیم حاصل زحمت ما به جیب خسرو شاهی، که در خارج به بهترین وجه زندگی میکند، سر از برشود.

کارگران با امضای این اعلامیه استقبال شایسته‌ای از آن کردند. قرار شد شورای کارخانه این اعلامیه را همراه با امضاء کارگران به وزارت صنایع و معادن و همچنین به دفتر رئیس جمهوری ارسال دارد.

خواستهای کارگران عبارت است از:

- ۱- مشخص شدن وضع مالکیت کارخانه
- ۲- زمینهایی که متعلق به خسرو شاهی بوده و اینک بمساده شده‌است، باید برای مسکن کارگران تولیدارو و شرکت‌های تابعه در نظر گرفته شود.
- ۳- لیست ساواکی‌ها برای خنثی کردن خرابکاری آنها در اختیارشورا گذاشته شود. در ضمن دولت به وضع ساواکی‌های خارجی کارخانه، که در جاهای دیگر در مقام بهتر استخدام شده‌اند رسیدگی کند.
- ۴- رسیدگی به سهام کارگران، که از جانب خسرو شاهی هر یک به جای ۱۰۰۰ ریال به قیمت ۲۵۰۰ ریال فروخته شده است.
- ۵- دادن قدرت اجرایی به شورای کارخانه.

کارگران: کارخانه تولیدارو و ملی اعلام شود

تشکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیکایی) ضرورت انقلاب ایران است

مار کسپسم قلابی را بجای مار کسپسم حقیقی جا میزنند!

ولی آنهایی که سوء نیتی ندارند و مایلند سره را از ناسره باز شناسند، باید دیدگان باطن بین داشته باشند و در دامهای رنگارنگ فریب امپریالیستی نیافتند

سازمانهای جاسوسی امپریالیستی خوشحالند که امروز دیگر یک «مار کسپسم» وجود ندارد و از شر «یکپارچگی» کشورهای سوسیالیستی، که در بهترین ایام «جنگ سرد» سدی از یکن تا برین در مقابل آنها کشیده بود، خلاص شده‌اند. میگویند: یکسان‌گویی مارکسیست‌ها را توانستند اند به چندگویی بدل کنند!

درواقع در جریان سالهای هفتاد قرن گذشته، یعنی قرن نوزدهم (که برای اولین بار مارکسیسم در سازمان «انترناسیونال اول» بصورت یک نیروی سیاسی جدی محسوس جلوه گر شد) سرمایه‌داری امیدوار بود که بدست اندیشه‌پردازان آنارشیزم، مانند پرودن و پاکوتین، جلوی مارکسیسم را بگیرد. ولی آنارشیزم دچار شکست فاحشی در جنبش کارگری گردید و در جریان «انترناسیونال دوم»، این مارکسیسم بود، که به تنهایی ایندولوژی مسلط و فوق‌العاده نیرومند در جنبش کارگری مبدل شد و مقول و قلوب را تصرف کرد.

سرمایه‌داری این بار کوشید که بدست عمال خود یا عناصر مساعد برای این کار، از درون خود مارکسیسم و احکام و اصطلاحات آن تغییرات انحرافی رنگارنگ راست و «چپ» بیرون بکشد. کسانی مانند پرشتین و کاتوتسکی مارکسیسم را بسوی راست کشیدند و جوهر انقلابی آنرا از آن ستاندند و گفتند که مارکسیسم گویا طرفدار تحولات تدریجی و قانونی جامعه سرمایه‌داری و روئیدن سوسیالیسم از زمینه خود سرمایه‌داری است و حزب انقلابی و انقلاب قهرآمیز اجتماعی و دیکتاتوری پرولتاریا را ننی کردند.

کسانی مانند ترستسکی مارکسیسم را بسوی «چپ» کشیدند و مسئله دیکتاتوری پرولتاریا و انقلاب جهانی را مورد سوءاستفاده قرار دادند و هر نرمش تاکتیکی مارکسیست‌های واقعی مانند لنین را به «سازش» و هرگونه صبر و تأمل انقلابی را به «دلغتی» و «ترس» تعبیر کردند. آنها آنارشیزم کهن را در قالب اصطلاحات مارکسیستی، که دیگر جاذبه آن انکارناپذیر بود، زنده کردند. بدین ترتیب جمله به مارکسیسم تحت عنوان «مارکسیسم اصیل» از راست و از «چپ» شکل گرفت و تا امروز با شدت عمل می‌کنند.

در کنار ترستسکیسم، پس از جنگ دوم جهانی، سازمانهای جاسوسی امپریالیستی آگاهانه و از روی نقشه انواع جریانات قلابی مارکسیستی برآه انداختند، که می‌تواند از روحیه شتاب‌زده و احساساتی روشنفکران قشرهای متوسط (که برای دورانی از زندگی در شعله نارسایی و لذا انقلابیگری می‌سوزند) خوب استفاده کنند.

چندی پیش خبرنگاریهای یونانی‌تبار و فرانسوی‌تبار خبر دادند که شمسی به نام ژوزف پارتن به روزنامه نیویورک تایمز نوشت که از طرف «سپاه مامور تشکیل گروه مارکسیست - لنینیست ستاره سرخ» (که در کانادا فعالیت داشت)، شده بود و او این وظیفه را از ژانویه ۱۹۷۲ تا ژوئیه ۱۹۷۴ انجام میداد. سازمان سیا نیز تایید کرده است که ژوزف پارتن یک خبرنگار حقوق‌بگیر این سازمان بوده است.

این تنها یک نمونه مشخص از سوءاستفاده‌های است که سازمانهای جاسوسی امپریالیستی از عرضه داشت یک رشته نظریات قلابی بنام مارکسیسم - لنینیسم بعمل می‌آوردند.

این جریانات نوآنارشیزمی که جامعه مارکسیسم بر تن کرده‌اند، در آمریکا و اروپای غربی، بوسیله اندیشه‌پردازان در خدمت سرمایه، ساخته و پرداخته شده و با رنگ و روغن غلیظ «مارکسیستی» و شعارهای شعله‌ور و سوزان و انقلابی، به بازار آمده و عده‌ای از جوانان را از آن جمله در کشور ما بدام انداخته است.

پیدایش مائوئیسم با رنگ ضدشوروی خاص و تمییرات غلط و دلخواه از مارکسیسم - لنینیسم (مانند تئوری قلابی و ماوراء ارتجاعی سه‌جهان) کار امپریالیسم را در این خرابکاری تسهیل کرد. بی‌سود نیست که امپریالیسم خود از ناکاران مائو و از مروجان مائوئیسم بوسیله سازمانهای تحت نفوذ شد، و همچنانکه ترستسکیسم را به خدمت گرفته بود، مائوئیسم را نیز بعنوان ابزاری در نبرد ایندولوژی علیه کشورهای سوسیالیستی و جنبش جهانی کارگری و کمونیستی بخدمت گرفت.

گروهکهای ماوراء انقلابی و ماوراء چپ، که باین ترتیب بوجود آمده‌اند، در همه جا توانستند نقش تخریبی مهمی بسود امپریالیسم و بزبان انقلابی بازی کنند. این گروهکها در پرتغال باعث شکست دولت گونسالوس و لوپز، که نماینده افسران اصیل انقلابی بودند، شدند. این گروهکها هم‌اکنون در نیکاراگوئه دولت ساندینیستی را، که رهبری انقلاب

خونین و پرافتخار این کشور را در دست داشته‌است، دچار مشکلات عظیمی ساخته‌اند و عینا مانند ایران، با تحریک کارگران و دهقانان به اعتصاب و تحسن، زندگی اقتصادی این کشور را، کاملاً بسود امپریالیسم و بورژوازی، فلج ساخته‌اند. این گروهکها در ایران نیز به ترکاندن لوله‌های نفت، آفرزیدن خرمن‌ها، سوء استفاده از مطالبات بحق واحدهای مسلی در کردستان و ترکمن صحرا و بلوچستان و خوزستان، واداشتن کارگران و دهقانان به اعتصاب و تحسن، و احتراز از کار، آشفته کردن دانشگاهها و مدارس، دشنام‌گویی به همه نیروهای اصیل انقلاب و خورد کردن اعتبار دولت انقلابی و پخش اطلاعات سفسطه‌آمیز درباره آموزش انقلابی مشغولند. الگوی کار گروهک‌های چپ‌نما در ایران عینا مانند همین الگوی کار در نقاط دیگر است و در وجود ماهیت یکسان آنها و مراکز واحد رهبری کننده آنها تردیدی باقی نمی‌گذارد.

ما در اینجا صریحاً می‌گوییم که در میان گروهکهای چپ‌نما، که نام «مردم‌آنها» را با نام طنزآمیز «ترپچه‌های پوک» تعمیم کرده است (یعنی با ظاهر «سرخ» براق انقلابی و باطن تپه) مغتران و پسران با حسن نیت، که متأسفانه به شمارهای تند و نیز «حداکثر طلبی» و «بلافاصله طلبی» و نغی-هر-گونه نریش و تحمل بعنوان «ترس» و «سازش» باور دارند، کم نیستند. برخی از این افراد از عنوان کلی و توصیفی «ترپچه‌های پوک» سخت برآشفته میشوند. باین افراد باید گفت که بالاخره روزی باید برسند که آنها «برآشفته‌گی» و «خشم‌مقدس» را رها کنند و خونسرد و خودنقاد بیندیشند. آخسر کردگی و جوانی تا کی؟

طرفه اینجاست که امپریالیسم با ایجاد این مارکسیسم قلابی یک بازی دوگانه انجام میدهد: از طرفی جامعه را با شمارهای تخریبی و غلط و بی‌نظر بعنوان «مارکسیسم» می‌رساند، می‌راند و انقلاب را ضعیف و زمینه را برای خدات انقلاب فراهم میکند، بی‌خبران را از مارکسیسم منجز می‌سازد و با انگشت سبانه «ترپچه‌های پوک» راه، که دست به انواع ماجراها می‌زنند، نشان میدهد و می‌گوید: ملاحظه بفرمائید! اینست مارکسیسم! اینجا هستند خانمها و آقایان کمونیست‌ها! مشتکی دختران و پسران عبوس، ناسازگار، بی‌تدبیر، خرابکار، که آب در آسیاب دشمن می‌ریزند.

و از طرف دیگر، بدست خود این عناصر، چپ‌های واقعی، مارکسیست‌های واقعی را می‌کوبد. همانطور که پاکوتین، مارکس را می‌کوبید. همان-طور که ترستسکی به لنین تاخت می‌آورد. همانطور که مائوئیست‌های چین، شوروی را لنین‌مال میکنند و به مارکسیسم واقعی برچسب «اپورتونیسم» و «روئیزیسم» می‌زنند.

بازی، بازی جالبی است و برای کاخ سفید سود فراوانی دارد. در این تردیدی نیست. این سود البته موقت است و همه دستها رو خواهد شد، ولی امپریالیسم همیشه بازی‌اش برای چند روز است: چو فردا شود، فکر فردا کنیم!

نه فقط امپریالیسم از این بازی سوء استفاده میکند، ارتجاع و همه نیروهای مخالف مارکسیسم نیز از این جریان سوء استفاده می‌کنند و بروی خود نمی‌آوردند که، آنچه بعنوان «مارکسیسم» تحویل داده میشود، مشتکی مطالب مهمل و حاده‌جویانه و درهم-برهم است، که ابتدا و اصلاً ربطی به مارکسیسم ندارد و مارکس و انگلس و لنین در دوران خود با آن شدیداً مبارزه کرده‌اند و از آن شدیداً خشمگین و متنفر و منجز بوده‌اند.

هر قدر به این عناصر ضدمارکسیست، که در سفسطه نسبت به واقعیت ذی‌ملاقه هستند، توضیح دهید، به خرج آنها نمی‌رود. برای آنها «کومله» مارکسیسم واقعی است. برای آنها «ترپچه‌های پوک» مظهر کامل کمونیسم هستند. این کار آنها را در کوبیدن مارکسیسم و کمونیسم آسان تر می‌کند. با آنکه امام با تصریح عنوان «کمونیسم آمریکایی» خواسته است توجه را به این پدیده جلب کند، ولی کسانی ترجیح میدهند که مطلب را لوٹ کنند.

روبرو شدن حزب ما با این جریانات تازگی ندارد. از روز اول تأسیس حزب، با ایجاد و کروژوگهای مارکسیستی، اساسی و جبریان ترستسکیستی یوسف افتخاری و انواع جریانهای ماوراء «چپ» حمله از «چپ» از جانب امپریالیسم و ارتجاع به حزب توده ایران انجام گرفت، و به‌جزبی که در خیابانهای شهرهای ایران در زیر شلیک بی-رحم جلدان محمدرضا پهلوی بود، و زندانهای سراسر کشور را از مبارزانش آنباشته بودند، این گروهکها (که در میان آنها پلیس رخنه کامل داشت) چه به‌تانه‌ها که نزدند.

درجهان سوسیالیسم

رفاه روبه افزایش در کشورهای عضو «شورای همیاری اقتصادی»

در اتحادشوری ۳/۹ برابر و در چکسلواکی ۳/۳ برابر شد. برای لهستان، این رقم در سالهای ۱۳۴۴-۵۴، ۳/۶ بود. در ساختار مصرف اهالی کشورهای عضو «شورای همیاری اقتصادی»، در سالهای گذشته دگرگونی‌های بنیادی پدید آمده است. در این کشور، بویژه سهم فرآورده‌های صنعتی و نیازمندیهای فرهنگی روبه افزایش است. جدول زیرشماره برخی از لوازم خانرا به نسبت هر هزار شهروند چند کشور سوسیالیستی، در سالهای ۱۳۳۹ و ۱۳۵۷ نشان میدهد.

افزایش سطح زندگی مردم کشورهای عضو «شورای همیاری اقتصادی» را هر چه بیشتر، از یکسو، پرداختها و تسهیلاتی که از بابت صندوق مصرف اجتماعی تأمین میشود (مانند بازنشستی کمک هزینه کودک و بوری و غیره)، تعیین میکند و از سوی دیگر، مصارف اجتماعی - فرهنگی (مانند، یهداری، فرهنگ و آموزش) صندوق مصرف اجتماعی کشورهای عضو شورا در سالهای ۵۷-۱۳۵ و در مجارستان ۵ برابر، در جمهوری دمکراتیک آلمان ۲/۷ برابر و در مولداتان ۴/۱ برابر، در رومانی ۴/۸ برابر

کشور	یخچال	ماشین رختشویی	تلویزیون
	۱۳۵۷ ۱۳۳۹	۱۳۵۷ ۱۳۳۹	۱۳۵۷ ۱۳۳۹
بلغارستان	۲۱۱ -	۲۰۴ -	۲۱۸ -
جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی	۲۹۰ ۳۳	۴۰۰ ۱۶۷	۴۳۰ ۶۲
جمهوری دمکراتیک آلمان	۳۷۷ ۲۲	۳۰۱ ۲۲	۳۳۱ ۶۰
لهستان	۸۹ -	۹۵ -	۹۹ -
اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی	۲۲۶ ۱۰	۲۰۳ ۱۳	۲۴۰ ۲۲
مجارستان	۲۶۶ ۴	۲۸۵ ۴۵	۲۴۶ ۱۰

(- آمار موجود نیست)

درجهان سرمایه‌داری

نرخ تورم در کشورهای سرمایه‌داری روبه افزایش است

بموجب ارقامی که چندی پیش از سوی «کمیته هماهنگی توسعه اقتصادی» اروگوئه منتشر شد، دستمزد واقعی کارگران در آن کشور در سال ۱۹۷۹، ۱۴/۴ درصد کاهش یافت. این رقم، برای بخش همگانی ۱۲ و برای بخش خصوصی ۱۶/۶ بوده است. در برزیل نرخ تورم در ماه مارس گذشته ۶/۶ درصد بود. بدین ترتیب، نرخ تورم برای چهاره اول سال ۱۹۸۰، ۱۸ درصد، یعنی ۵ درصد بیشتر از همکوره مشابه برای سال ۱۹۷۹ است. پیش‌بینی میشود که نرخ تورم برای سال ۱۹۸۰، ۸۳/۹ درصد باشد، که پس از ژرف‌رکورد ۹۱/۹ درصد در سال ۱۹۶۴، در تاریخ برزیل در درجه دوم قرار داد. دولت برزیل قول داده بود که نرخ تورم را امسال از ۷۷/۳ درصد به ۵۰ درصد تنزل دهد و اینک می‌گوید که به ۶۰ درصد راضی خواهد بود!

زمان آمد و زمان گذشت و از این گروهکها و موجودات حتی نامی باقی نماند و اینک باز این حزب توده ایران است که نیروی حیاتی و سرسختی انقلابی خود را نشان میدهد.

مبارزه از سمت راست و از سمت «چپ» علیه مارکسیسم، ولی بنام مارکسیسم، فرمولی است که امپریالیستها مدت‌هاست (از قرن نوزدهم) کشف کرده‌اند. هم کاتوتسکی، هم ترستسکی، هر دو خود را پیش‌بین و دقیق‌ترین و عالی‌ترین مارکسیست‌ها می‌شمردند. در کشور ما، که به ملت فقر و عقب‌ماندگی، چپ‌رویهای آنارشیزمی زمینه دارد، بویژه هجوم از «چپ» متداول است. سوسیال‌دمکراسی شبه‌مارکسیستی ساخت «جبهه دمکراتیک ملی» و روشنفکران وابسته به آن، چندان توفیقی نداشت، زیرا زمینه اجتماعی ندارد. ولی «کومله» و امثال آن به مسئله‌ای بدل شده‌اند.

ما نظر آقای رئیس جمهوری و شورای انقلاب را از جهت اصولی و عملی به این نکات جلب می‌کنیم. وقتی کسانی میکوشند غلط‌بیخت کنند و دروغ و دوقاب را با هم درآمیزند، ما انتظار داریم که خرد و تجربه سیاسی رهبران انقلاب ایران، بتواند مطلب را تشخیص دهد. کسانی که اصرار دارند «مارکسیسم» قلابی ساخت آمریکا را بعنوان سکه نقد بپذیرند، اگر واقعا دچار اشتباه هستند، مایه تأسف و تعجب ماست. امید است این تذکرات آنها را متوجه حقیقت امر کند. بپر جهت خردمندی و مصلحت، در تشخیص واقعیت و داشتن اطلاع درست است، و الا ما نسبت به داوری ژمان اطمینان صد درصد داریم. چه بسیار غولهای پوشالی دروغ و سفسطه، که روزی مهیب بنظر میرسیدند و طی زمان بر باد رفتند و اثری هم از خود بر جای نگذاشتند. ولی گیه همیشه سبز حقیقت علمی و مردمی، که ریشه‌های ژرف در عقول و قلوب دارد، سرسخت است و طوفانی در جهان نیست که بتواند آنرا برکند. به سخن حافظ:

سحر، با معجزه، پهلوی نزنند، دل خوش‌دار! سامری کیست که دست از ید بیضا ببرد

یکشنبه‌ها: نامه مردم

بزبان کردی

هموطنان کرد مقیم تهران متواقند نامه مردم، بزبان کردی را، که روزهای یکشنبه منتشر میشود، از کبوسهای مختلف تهران دریافت دارند.

رفقای حزبی! هواداران و دوستان اران حزب!

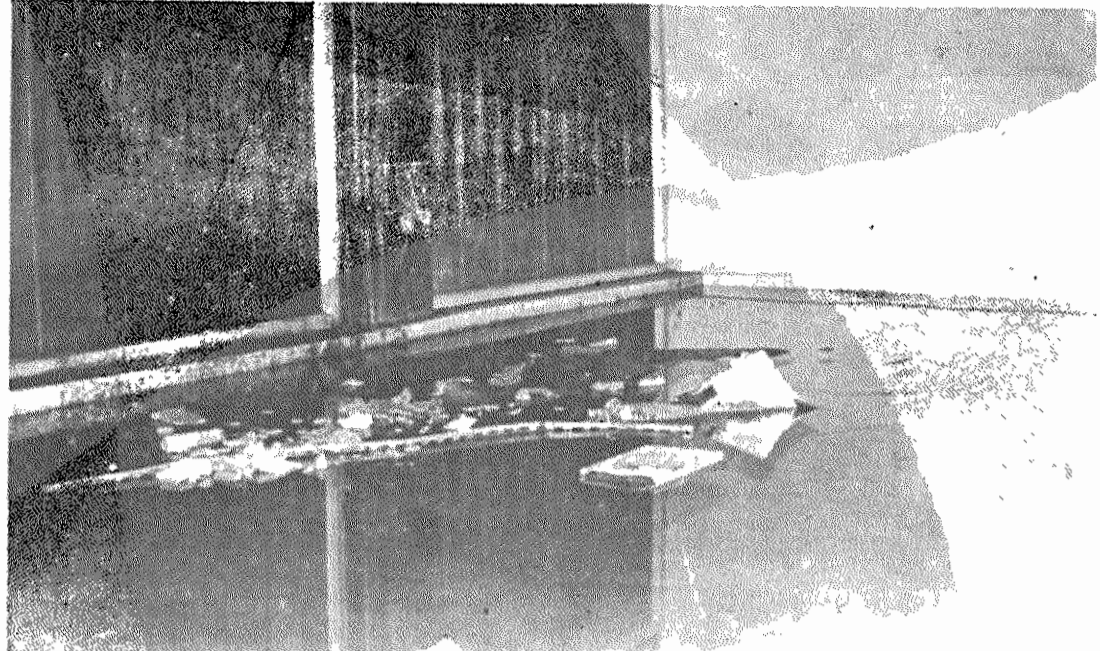
اسناد حزبی (اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و...) منتشر در نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات، به وسیله ترین شکل تکثیر کنید و به توده‌های مردم برسانید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه مبرم انقلابی است.

پوشش و پاسخ

جلسات پرستی و پاسخ روزهای پنجشنبه از ساعت ۴ تا ۶ بعد از ظهر در دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران تشکیل میشود.

اصل قانون اساسی را در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی اجرا کنید!

مشکل این زحمتکشان را فوراً حل کنید



اینجا طبقه دوم ساختمان است، که آب به ارتفاع ۵ سانتیمتر آنرا پوشانده است

زیرزمین ساختمان خیلی زیاد است. ترکیدن لوله‌های آب سبب شده است که ساکنان ساختمان نتوانند از آب استفاده کنند و در نتیجه بوی عفونت ساختمان را پر کرده است. ساکنان ساختمان به‌خبر نگار نامه «مردم» گفتند: «علاوه بر اینکه در هر اتاق ساختمان يك خانواده را جاده‌اند و این وضع را برای زندگی خیلی مشکل کرده است، ترکیدن لوله‌های آب هم باعث شده که ساکنان ساختمان، بویژه کودکان، که تعداد آنها خیلی زیاد است، در معرض انواع بیماری‌ها قرار بگیرند.»

در حالیکه هزینه تعمیر ساختمان توسط يك مهندس يك میلیون تومان برآورد شده است. اگر دین آب به همین ترتیب ادامه داشته باشد، احتمال ریزش ساختمان وجود دارد، که در این صورت فاجعه‌ای بوجود خواهد آمد.

از آنجا که ساکنان زحمتکشان این ساختمان، هیچگونه امکان مالی برای تعمیر محل زندگی خود را ندارند، ضروری است بنیاد مسکن، که با حسن نیت و در جهت کمک بزحمتکشان، این ساختمان را در اختیار آنها قرار داده است، به اقدام فوری تعمیر ساختمان و راتحیه محل دیگری، مشکل این زحمتکشان را حل کند.

لوله‌های آب و فاضلاب در ساختمان ۱۰ طبقه‌ای که ۱۰۰ خانواده مستضعف در آن اسکان داده شده‌اند، ترکید و ساکنان آپارتمان را با مشکلات متعدد روبرو کرد.

این ساختمان ۱۰ طبقه، که در خیابان دکتر شریعتی قرار دارد در زمان طاعون محل آموزش و پرورش بود سپس تخلیه شد و متروک ماند.

بعد از انقلاب، نزدیک به ۶۰۰ نفر از زحمتکشان، که در زاغه‌های کوره حاج عباسی، واقع در جنوب خزانه زندگی می‌کردند توسط بنیاد مسکن به این محل منتقل شدند و اتاق‌های این آپارتمان در اختیارشان قرار گرفت.

بعد از انتقال زاغه‌نشینان به ساختمان ۱۰ طبقه، که ۱۱۲ اتاق دارد، زاغه‌های آنها را با بولدوزر خراب کردند. چند روز پیش لوله‌های آب و فاضلاب ساختمان ترکید و آب طبقه دوم این ساختمان را به ارتفاع پنج سانتیمتر فرا گرفت.

خبر نگار نامه «مردم»، که از این ساختمان دیدن کرده است، می‌نویسد:

«علاوه بر طبقه دوم که آب آنرا در خود پوشانده، از نقاط مختلف ساختمان هم آب می‌چکد. ریزش آب بویژه در

در مطبوعات کشور

می‌خواستند سقوط بکشند. ما نمی‌توانیم شاهد ناپسانمانی‌ها و از دست رفتن جوانان عزیز و دل‌پسند خودمان بوده باشیم که در سایه این انحطاط و پستی‌های آفتاب‌نیزه، مقدم‌مانه‌ای با بخت‌پروری پاریس هم منتقل شوند و با خوش خیالی تریسم کودتا و ناپاوری روحانیت مترقی را در مغز انگلی و علیل خود بپرورانند.

آیت‌الله خلیلی در این گفت‌وگو، از همه ملت برای مبارزه با مواد مخدر کمک خواست.

(اطلاعات ۳۱ اردیبهشت)

آیت‌الله خلیلی: ۲۰ قاچاقچی مواد مخدر در تهران تیرباران شدند

همه این افراد، بزرگترین باغ قاچاق مواد مخدر در سرت و مال‌خری و حریکت‌های شدت‌انگیزی را در سراسر کشور انجام داده‌اند و از حمایت‌های انقلاب برخوردار بودند و به‌طریق ممکن از راه‌های مختلف و وسایل گوناگون اتومبیل‌های آخرین مدل، تریاک، هروئین و حشیش و سایر ولولزم قمار و مسکن را در سطح کشور وارد کرده و توزیع می‌کردند.

این افراد چون سازندگان و فروشنده‌گان مواد مخدر در سطح صد کیلو و ۲۰۰ کیلو بودند، قطع نظر از اعدام، به‌مصادره اموال خود، زن و فرزندانشان محکوم شدند.

ما برای سازندگی کشور ناچاریم قاطمیت را در پیش بگیریم، چون دیگر نمی‌خواهیم تسلیم سیاست‌گام به‌گام بازرگانی شویم که یکسال و نیم از انقلاب اسلامی ایران را با دست‌فردان سیاست‌گام به‌گام به‌انحطاط کشیدند، شدت‌انگیز و مصادم‌مخدر، همه جای مملکت را فراگرفت. شدت‌انگیز در کتب و دانشگاه‌ها و کردستان، مسلحانه بر ما حمله کرده و جمهوری اسلامی ایران را توزیع می‌کردند.

لزوم ملی کردن بازرگانی خارجی

کشایش اعتبار و سفارش کالا را صورت دهد.

ملی شدن بازرگانی خارجی به‌معنای آن است که آگاه‌ها و توانایی‌های سیاسی و اداری کشور در جهت چگونگی اخذ و اخذ به‌بازارهای جهانی به‌حیث که در آید، بازرگانی خارجی را در اختیار توسعه اقتصادی کشور گردد. سیاست بازرگانی خارجی، در متن برنامه عمومی پیشرفت اقتصادی کشور تنظیم و اجراء شود.

وزارت اعتبار و سفارش کالا را ملی شدن بازرگانی خارجی به‌معنای آن است که آگاه‌ها و توانایی‌های سیاسی و اداری کشور در جهت چگونگی اخذ و اخذ به‌بازارهای جهانی به‌حیث که در آید، بازرگانی خارجی را در اختیار توسعه اقتصادی کشور گردد. سیاست بازرگانی خارجی، در متن برنامه عمومی پیشرفت اقتصادی کشور تنظیم و اجراء شود.

برای رهاشدن از چنگل عقب‌ماندگی، سیاست‌های بازرگانی خارجی یکی از اصلی‌ترین گذرگاه‌ها می‌باشد و ملی کردن بازرگانی خارجی به معنای آن است که فرستادن یا آوردن يك کالا در چهارچوب تنگ سودزبان همان کالای خاص منجر شود. هر کالای گوناگون سندی به‌پیمان چگونگی اقتصاد ملی باید در نظر گرفته شود.

ایران باید پیش‌بینی، به‌پیمان شرح داده‌شد، آن است که دولتهای بزرگ صنعتی غرب، از این راه نرفته‌اند و کم‌اب‌بم بوده‌اند. پاس‌بیم چنین است، نخستین دلیل آنکه ایشان در زمانی با‌بازار جهانی را به‌بیمتند که قادرهای بزرگ آسیا و آفریقا بی‌مانع در اختیار آنان بود، و تا می‌توانستند کالا تولید می‌کردند و به‌قدرت تولید خود می‌افزودند تا در بازارهای جهان گناه و چنان‌بهر که فرآورده‌های خود را بفروشد و اقتصاد خود را رونق دهد. دومین دلیل، آنکه ایشان از فروش کالاهای ساخته‌شده آغاز کردند، و آن کالاهارا به‌خارج فرستادند قدرت تولید آنها بسیار بود، و آن کالاهارا از خارج آوردند که قدرت تولیدشان اندک بود، یعنی کچادند و زیاد گرفتند، تا می‌توانستند شدند.

بازرگانی خارجی ایران به‌بیمتند و انقلابی نیاز دارد و وارد کردن یا فرستادن هر کالای باید در رابطه با رشد اقتصادی منجر شود.

ملی شدن بازرگانی خارجی هرگز تنها به‌معنای آن نیست که وزارت بازرگانی جانشین بازرگان واردکننده شود و عمل بی‌برانه

جنگ برادر کشی در کردستان...

بقیه از صفحه ۱

برخی‌ها صاف‌روانه ساواکی و طاقت‌مندی هستند خصوصاً آنها با حزب توده ایران يك امر ذاتی است. جماعتی دیگر ما ثوئیت و تروتسکیست و آنارشیست و از این قبیلند، که حسابشان روشن است.

بها نه موج جدید تهاجم علیه حزب توده ایران، ظاهراً مقالات اخیر هم «مردم» بوده است. شاید عده‌ای از افراد صدیق و بی‌غرض تحت تأثیر عواطف و احساسات و جو آشفته کردستان در دام بهانه‌تراشی‌های ضد انقلاب بیفتند و ناخواسته و ندانسته در کنار آنها قرار بگیرند. ما چنانچه سطر توضیحات زیر را بخاطر همین افراد می‌نویسیم و امیدواریم، چون آندل بر آمده، بر دل نیز بیفتند.

قبل از هر چیز لازم است، بگوئیم که ما به هیچ‌وجه آرزومند و خواهان آن نیستیم که کسی را «شدت‌انگیز» بنامیم. ما از تامل آرزومندیم که سرتاسر افراد جامعه تا آخرین نفر انقلابی باشند و در کردستان و سرتاسر ایران برای آن نهمه‌نهمه، يك فریضه انقلابی یافت نشود. ما واقعاً و بناچار در کنار نام مشخص و یا سازمانی صفت «شدت‌انگیز» را می‌نویسیم، از طرفی خرسندیم که دشمن خلق را می‌شناسیم، ولی از طرف دیگر به‌معنای واقعی کلمه خون‌اندلمان می‌چکد، که چرا يك انسان و یا گروه انسانها از راه انسان و انقلاب منحرف شده‌اند.

وقتی مشاهده می‌کنیم که در حالیکه با هزاران زحمت و تلاش جنگ برادر کشی در کردستان فرو می‌نشیند و گفتگوها به‌همس نزدیک می‌شود، یک‌باره در فلات شهر، فلات گروه راه را بر ستون ارتشی می‌بندد و علیه‌رغم توافق دیگر گروه‌ها برای عبور ستون مذکور از کنار شهر، این ستون را، که در حال حرکت بوده، به‌گلوله می‌بندد و در نتیجه يك جهنم برادر کشی بوجود می‌آید که تروخشت با هم می‌سوزد - آیا باید باین عمل این گروه «آفرین» بگوئیم؟

خواننده عزیز خود را جای‌ما بگذارد و ببیند که آیا جنگ کلمه «دلت» و «جیندیگری می‌تواند نتواند این گروه کند؟

اولاً بستونی که طبق توافق از کنار شهر می‌کشند و بارها و بارها اعلام کرده بود که برای تمویض افراد به‌فلات قطع‌مرد می‌رود (و نموده‌ایستگونه تمویض‌ها در ماه‌های اخیر بارها در ماه‌ها و نقاط دیگر در نهایت نظم و آرامش انجام گرفته) چرا تیراندازی کرده‌اند و جنگ برافروخته‌اند؟

ثانیاً این جنگ سرتاپا ضد انقلابی را چرادر داخل شهر شروع کرده‌اند؟ این کار با کدام اصول جنگی نظامی مطابقت دارد؟ چرا خانه‌های مردم را بسنگ تپیدن کرده‌اند؟ مگر نمی‌دانستند که تیرهای طرف‌مقابل بخانه‌های مردم آسیب خواهد کرد و مردم بی‌گناه را تلف خواهد نمود و خانه‌های آنها را ویران خواهد ساخت؟ منظور این آقایان از ایجاد جنگ در داخل شهر چه بوده است؟ مگر برای جنگیدن کوه‌دور در کردستان کم‌بود؟ مگر این جنگ خرابکاری عمدی، جز به‌بیمتند کردن يك نقشه‌آهلی و در بهترین حالت جز نمونه‌ای از خرافه‌آموزی و پهلوتی جیندیگری است؟ آیا در برابر این «هتر» باید تاج‌کل بر سر این گروه و رهبران آن گذاشت و با بالنت خلق کرد رجمان کرده‌ای یا ماحق نداریم فکر کنیم که محافل طرف‌مقابل و قمع‌کردستان، با همین گروهک ضد انقلابی قول فرار داده‌اند که اینان برای قلع و قمع کردستان برای آنان بهانه و دستاویز درست کنند؟

باوقتی می‌بینیم از مزعراق هزاران راسلحه و میلیون‌ها میلیون پول به‌خاک ایران سرازیر می‌شود، در آنسوی مرز بخیراداری و دیگری واقعا حضور دارند و واقعا با افرادی ارتباط می‌گیرند و واقعا قول و قرارهایی می‌بندند، تکلیف ما با این واقعبیت‌ها چیست؟ چنان‌بیمتند و به‌بیمتند و هر چه دادا بگوئیم، سکوت کنیم و بگوئیم غلامی ادیسی، جلاد خلق کرد، با بختیار خائن و لشکریان فراری محمد رضای خلخود در ایران نفوذ کنند و توطئه سازند و انقلابی را که با نتاد این همه

حزب کمونیست آمریکا سرکوب سیاه‌پوستان را قویاً محکوم کرد

کس‌هال دهن‌کسل حزب کمونیست آمریکا و آنجلاد بویس عضو چپ‌ترین حزب، در بیانیه‌ای در نیویورک، سرکوب و حشیا نه‌سیاهان آمریکا و بویژه قتل عام سیاهان در میامی را قویاً محکوم کردند و این اقدام مقام‌های تزارپرست را و حشیا نه خواندند. در بیانیه آمده است،

«باید قیام‌سیاهان را در چارچوب علل واقعی آن، که همانا فقر بسیار شدید و محرومیت‌های بزرگ است، مورد بررسی قرار داد.»

در بیانیه حزب کمونیست آمریکا رای‌دادگاه فرمایشی میامی در مورد تیراندازی چهار مأمور پلیس، که يك سیاه‌پوست را و حشیا نه به‌قتل رساندند، محکوم و اضافه‌شده است که این رویداد تنها جرقه‌ای بر آتش خشم سیاهان محروم بوده است.

در این بیانیه تأکید شده است که نسبت فقر و بیکاری میان سیاهان بسیار بیشتر از سفیدپوستان است و به‌عنوان مثال در میامی حدود هفتاد درصد سیاهان بیکارند و ۳۵ درصد دین پائین از باصلاح سطح فقر رسمی دولت پس‌میبند.

در بیانیه حزب کمونیست آمریکا ضمن افشاء ماهیت نظام منحط و فاسد سرمایه‌داری در کشور، از همه نیروهای دمکراتیک و سازمان‌های کارگری، صرف‌نظر از عقیده و مذهب و مسلک آنها خواسته شده است که سندی اعتراض خود را به‌فجایمی که در مورد سیاهان و دیگر اقلیت‌ها در آمریکا اعمال می‌شود، بلند کنند.

در این بیانیه تأکید می‌شود که دفاع از سیاهان دفاع از حقوق اساسی تمام آمریکائیان است. از سوی دیگر گزارش‌های رسیده از میامی نشان‌دهنده‌ی حدود هفت‌هزار پلیس، مأمور گارد ملی و سفیدپوستان تزارپرست مسلح برای مبارزه با سیاهان در میامی و دیگر شهرهای اطراف بیخ شده‌اند. شهر میامی حالت شهر جنگ‌زده را دارد. بیمارستان‌ها پر از سیاهانی است که بوسیله مأموران پلیس و تزارپرستان، که بوسیله پلیس تقویت می‌شوند، مجروح شده‌اند.

قیام‌سیاهان محروم و مبارز میامی تاکنون، بنا به آمارهای رسمی، بیست کشته بجای گذاشته است، اما منابع غیررسمی می‌گویند شمار تلفات بسیار بیشتر از آمارهای رسمی است. خبر گزارها و مطبوعات مزدور غربی تلاش دارند قیام‌سیاهان را قیام دمشی ماجراجو و دیوانه، نشان دهند و بدین ترتیب ماهیت جنایتکارانه نظام سرمایه‌داری خون‌آشام آمریکا را پنهان سازند. اما مردم سرتاسر جهان بخوبی به‌ماهیت این تلاش‌های پشیمانانه و سیاست باصلاح حقوق‌پش بی‌برده‌اند.

دبیر کل حزب کمونیست پرتغال: انتخابات پارلمانی آینده میتواند برای انقلاب بسیار حیاتی باشد

آلوار کونیال، دبیر کل حزب کمونیست پرتغال، در یک سخنرانی در مورد انتخابات پارلمانی سال جاری کشور گفت که نتایج این انتخابات میتواند برای انقلاب بسیار حیاتی باشد. کونیال تأکید کرد که ائتلاف همه‌نیروهای ترقیخواه و دمکراتیک، کشور را از چنگ راست‌نجات خواهد داد.

کونیال ضمن اشاره به لزوم دفاع از دستاوردهای انقلاب، دولت ساکارینو نخست‌وزیر پرتغال را ستایش کرد و گفت که دولت با عوام‌فریبی تلاش کرده که با بودی برنامه اصلاحات ارضی را توجیه کند و با سوءاستفاده از اکثریت پارلمانی خود به نتایج انقلاب آسیب رساند.

سودانحصارات غارتگری در زحمتکشان افزایش می‌یابد

همزمان با افزایش فشار بر زحمتکشان در کشورهای سرمایه‌داری، انحصارات غارتگری منافع و سودهای بادآورده خود را افزایش می‌دهند. شرکت بین‌المللی تلفن و تلگراف «آی‌تی‌تی»، که جنایات آن در شیلی بر همه روشن است، ضمن اعتراف به قسمتی از غارتگری‌های خود، با فروش اعلام کرده که در سه‌ماه اول سال جاری ۳۴۶ میلیون دلار سود خالص به جیب‌زده است. سود خالص این شرکت در مدت مشابه سال قبل حدود دو صد و یک میلیون دلار بود.

موافقتنامه شوروی و رومانی به‌امضا رسید

دو پیمان دیندار امضاء و تصویب شد. رومانی از اتحاد شوروی يك موافقتنامه دساله در زمینه تخصصی کردن همکاری در تولیدات، میان دو کشور به‌امضا رسید. این موافقتنامه کام مهمی در همکاری و همبستگی دو کشور تلقی میشود. نخست‌وزیر رومانی همچنین در جریان اقامت خود در مسکو با لوفوید برژنف و آلکسی کاسکین مذاکره‌ای پیرامون وقایع جهانی و روابط دو کشور انجام داد.

رویدادهای جهان

ساختن آب‌سدهای شبه نظامی اسرائیلی در سرزمین‌های اشغالی اعراب ادامه دارد

ساختن آب‌سدهای شبه نظامی از سوی صهیونیست‌های اسرائیلی در سرزمین‌های اشغالی عرب ادامه دارد. سازمان اسکان یهودیان چهار هزار هکتار از زمین‌های اسرائیل را در نوادشهره برای ساختن يك آبادی جدید غصب کرده است. در سالهای اخیر حدود صد و پانزده هزار یهودی در دهه‌های آبادی شبه نظامی در کرانه غربی رود اردن و نوادشهره اسکان داده شده‌اند. دولت اسرائیل بارها اعلام کرده است که به‌رغم اعتراضات جهانی به ساختن آبادی در سرزمین‌های اشغالی ادامه خواهد داد.

بیکاری در انگلستان همچنان رو به افزایش است

دولت انگلیس با انتشار آمار بیکاری اعلام کرد که شمار بیکاران کشور به نزدیک میلیون و پانصد هزار تن رسیده است. انتظار می‌رود که شمار بیکاران تا پایان سال جاری همچنان افزایش یابد. از سوی دیگر گروهی از اقتصاد دانان در کمبریج اعلام کردند که احتمالاً در سال ۱۹۸۴ انگلیس حدود چهار میلیون بیکار خواهد داشت. افزایش بیکاری در انگلیس با افزایش تورم نیز همراه است. بنا به پیمان آمارها، در دو هفته سده حکومت مارگارت تاچر نرخ تورم به‌طور متوسط ۲۲ درصد افزایش یافته است.

بازدید روحانیون سوریه از اتحاد شوروی

هیئتی از روحانیون سوریه برای بازدید از اتحاد شوروی وارد این کشور شد. قرار است این هیئت از تاشکند و دیگر شهرهای آسیای میانه دیدن کند و پانحوه ناپولیت‌مسلمانان اتحاد شوروی آشنا شود. اخیراً نیز يك هیئت مذهبی مسلمانان اتحاد شوروی از سوریه دیدن کرده بود.

برای شهیدان حزب و جنبش

نامه «مردم» در نظر دارد عکس‌های تمام مبارزانی را که در دوران سلطنت ننگین و منفور خاندان پهلوی در راه آرمان‌های ملی و میهنی و انسانی خود به‌شهادت رسیده‌اند، جمع‌آوری کند. از همه میهن‌دوستان و آزادی‌خواهان تقاضا می‌شود که عکس از این مبارزان شهید دارند، ۴ دفتر نامه «مردم» را بفرستند.

باسپاس - نامه «مردم»

خوشگن، آینه‌شکستن خطاست!

کس‌ها دیر کل حزب کمونیست آمریکا تجاوز نظامی آمریکا به ایران را محکوم میکند

اطهارات کس‌ها دیر کل حزب کمونیست آمریکا در مطبوعات آمریکا انتشار یافت. کس‌ها دیر کل محکوم کردن تجاوز نظامی آمریکا علیه ایران، میگوید: «سلسله رخ کشیدن و نمایش قدرت در نزدیکی مرزهای ایران، اقدامی است خطرناک و بازتابی از تالیفات دولت آمریکا، که تلاش دارد بخاطر منافع شرکتها و بانکهای بزرگ نقش ژاندارم جهانی را ایفا کند»

کمیته مرکزی حزب کمونیست آمریکا، در اظهاریه‌ای که بمناسبت تجاوز نظامی آمریکا علیه ایران منتشر ساخت، خاطر نشان میکند که این دستبرد ناخبرانه و توجیه‌ناهنشان داد که دولت و وزارت جنگ آمریکا برای جان گروگانها، و نیز برای موجودیت خلفای جهان پیشی آرزو قائل نیستند. آمریکا در واقع میکوشد ثبات اوضاع را برهم زند و دولت ایران را سرنگون سازد، تا دوباره منابع نفت ایران را بنفع کمپانیهای نفتی افسوسناک اوایل دزیر کنترل خود قرار دهد. در اظهاریه کمیته مرکزی حزب کمونیست آمریکا آمده است: «در صورتیکه آمریکا اعتراض میگرد که طی ۲۷ سال با کمک سازمان سیا بر ضد ایران و ملت ایران به عملیات خرابکارانه پرداخته و قصد میگرد که اینگونه عملیات را علیه ایران قطع کند، بجران روابط ایران و آمریکا حل میشد و دیگر نیازی به دستبرد و اقدامات تحریک‌آمیز نبود اما محافل حاکمه آمریکا به شیوه دیگری می‌اندیشند و فعالیت‌های خود را برای گسترش حضور نظامی در خاور نزدیک و خلیج فارس تشدید میکنند»

نیروهای مسلح آمریکا آپهای تنگه هرمز را زیر آتش توپخانه قرار داده‌اند و این تیراندازی میتواند به مین‌گذاری سواحل ایران و محاصره دریای ایران منجر شود. به موازات این اقدامات دولت آمریکا منتقدین اروپایی غربی خود را منظور یروی از سیاست آمریکا نسبت به ایران زیر فشار قرار میدهد»

از کمکهای مالی رفقا و دوستان سپاسگزاریم
سهراب زری پور
از آلمان غربی ۳۰۰۰۰ ریال

نامه فرود
ازگان مرکزی حزب توده ایران
داوود امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر یزدانی
خیابان ۱۶ آذربایجان
تلفن: ۹۳۵۷۷۸-۹۳۳۴۵۹
شماره تلکسی:
214081 TPI IR
چاپ، کولان
MARDOM
No. 241
22 May 1980
Price:
West - Germany 0.80 DM
France 2 fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 fr.
Italy 350 L.
USA 50 Cts.
Sweden 1.50 Skr.

تلاش‌های ناپسند مغتریان برای لکه‌دار کردن افتخار شهیدان

اخیراً جزوه‌ای به نام «نامه‌ها از زندان» انتشار یافته که به دعوی ناساز آن، حاوی مجموعه «نامه‌ها» است که رفیق شهید سرگرد جعفر وکیل، دبیر سازمان افسران حزب توده ایران، در واپسین روزهای حیات خود، خطاب به همسرش در سلول‌های زندان نگاشته است. ناشر با انتشار این مجموعه، مشکوک می‌خواهد چنین جلوه دهد که گویا رفیق شهید، که به گواهی آخرین نامه‌اش، حتی در واپسین روز زندگی خود، پیش از تیرباران شدن، با عشق و مهری شایان ستایش از حزب خود و از رهبری آن سخن می‌گوید و در وفاداری به خدشه خود را نسبت به آنان ابراز می‌سازد، پس از دستگیری و تحمل نخستین شکنجه‌ها اعتماد خود را از دست داده، نسبت به حزب و رهبری آن دچار تردید و تردید شده و همسرش را به پریشانی از شرکت در فعالیت حزبی فراخوانده است. ولی وقتی خواننده «مجموعه» را تا آخر می‌خواند و ستون «نامه‌ها» را با آخرین نامه رفیق شهید وکیل مقایسه می‌کند، که خطاب به «حسین عزیز» است، در مورد اصالت «مجموعه» سخت دچار تردید می‌شود و بی‌اختیار از خود می‌پرسد: رفیقی که در واپسین روز زندگی انسانی خود و هم‌زنجیران قهرمانش با چنین روحیه‌ای سخن می‌گوید، نامه‌های چنین سرشار از روح وفاداری به حزب و رهبری خود و خشمی از اینکه مرگ بر او افتاد، چرا با انتشار «نامه‌ها» در زندان، حتی المقدور از پریشانی خانواده آنها جلوگیری کند. نکات زیر را به عنوان وسایلی ما تلقی کنید: فاشیسم را بشناسید و حزب را برای تحمل ضربات سخت‌تر آماده کنید و پیش‌بینی‌های لازم را بنمائید. با جاسوسان و خیانتکاران در درون حزب به شدت

مبارزه کنید. و این را از مهمترین وظایف خود بشمارید. در انتخاب کادرها دقت و باز هم دقت کنید. کنترل و بویزه کنترل از پائین را توسعه دهید و تحکیم کنید. انتقاد از پائین را تشویق کنید. و به آن میدان دهید. رهبری را به هر نحوی که می‌دانید تقویت کنید هرگونه اغراض و منافع خصوصی را تحت الشعاع منافع حزب قرار دهید. در این مورد سرمشق و نمونه زنده بنابند. گزارش کار گذشته و برنامه کار آینده را به هر نحو که مقتضی است مرتباً در اختیار ارگانهای پائین بگذارید و از آنها بخواهید که بحث و انتقاد کنند. در بالا برکن سطح تعلیمات خود و رفقا جدید نمانید. رهبری دسته جمعی را در حزب رواج و توسعه دهید. یکبار دیگر تکرار می‌کنم فاشیسم را بیش و باز هم بیشتر بشناسید و حزب را برای مبارزه در شرایط فاشیستی آماده کنید. ما فردا مردانه به میدان خواهیم رفت و با اطمینان کامل به پیروزی نهایی شما جان خواهیم سپرد از طرف همه شهیدان دستتان را صمیمانه و گرم می‌فشارم و روایتان را می‌بوسم. موفق باشید.

حسین عزیز، ۲۲/۸/۱۵

فعالیت سازمانهای حزب توده ایران در خارج از کشور

آلمان فدرال
روز شنبه ۲۷ اردیبهشت با همکاری حزب کمونیست آلمان (غربی) و اتحادیه دانشجویان مارکسیست شپس مایسن، سازمان حزب توده ایران در این شهر ظاهرات بانگویی با شرکت عده کثیری بعنوان اعتراض به تجاوز نظامی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران ترتیب داد.
روز چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت سازمان حزب توده ایران در شهر مانچستر جلسه سخنرانی برای معرفی انقلاب دستاوردها را می‌برد با ایران تشکیل داد. در این جلسه که با شرکت ۲۵۰ نفر تشکیل شد، فیلم مستقیم ۵۷، نیز پمرش نمایش گذاشته شد، که فوق‌العاده مورد توجه قرار گرفت.
جلسه با فروش نشریات حزب و جمع‌آوری کمک مالی به اتمام رسید.
فرانسه
هنگامیکه ضدانقلاب در فرانسه و دیگر کشورهای اروپای غربی با سرعت سازمان می‌یابد، نقش انتشارگرا و روشنگرانه نیروهای انقلابی، بویژه نقش سازمان حزب توده ایران در فرانسه، بیش از پیش مشخص میگردد. رفتاری ما در فرانسه با پشتکار این نقش را ایفا می‌کنند.
کافیست تنها نشر نزدیک به ۲۰۰ قیرتوگان کورن از نشریات این سازمان را بزبان فرانسه یادآور شد (یکی از چاپترین آنها جمع‌آوری مدارکی درباره انقلاب ایران است پتام ده روزی که ایران را بلرزه درآورد) که از یکسال و اندی پیش تاکنون نقش آگام‌کننده و موزنی میان نیروهای کارگری و مترقی بازی کرده است.
فروش نشریات حزب توده ایران بطرز وسیع و تماس مداوم با احزاب کارگری و مترقی و کنفرانسهای مطبوعاتی و بخش فیلم مستقیم ۵۷ تنها گوشه‌ای از فعالیت‌های این سازمان است.
بریتانیا
روز ۳۱ فروردین نماینده سازمان حزب با آوار گویال، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست بریتانیا در لندن ملاقات کرد و همبستگی حزب توده ایران با حزب کمونیست بریتانیا را اعلام داشت.
تشکیل کنفرانس توده، که روز ۸ مارس، به ملت حملات

شوخی نیست...!

یک سؤال کوچک

سرپرست تیم اعزامی ایران به اندونزی گفت: «در روز افتتاح بازیها، تیم ایران با پوستریهای امام خمینی وارد میدان شده بود. این امر در حالی که پنجاه هزار تماشاگر حاضر در ورزشگاه يك صندا فریاد خمینی خمینی سر داده بودند، موجب خشم پلیس و مقامات محلی گردید. از اینرو بود که به عمد بازیهای ما را از اول بگونه‌ای ترتیب دادند که هر چه زودتر از دور مسابقات خارج و به ایران برگردیم»

(بامداد - ۵۹/۲/۲۸)

سؤال: «اندونزی» همد کنفرانس اسلامی شرکت کرده، مگر نه؟

زنده باد!

گروهک اشرف دهقانی، زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

اوبسی، پالیزبان و بختیار، زنده باد گروه اشرف دهقانی!

وصل کنید

نمید شدگان عراق، که بوسیله حزب بعث عراق و عملیات جاسوسی از خانه و زندگی خود طرد شده‌اند، ملی اطلاعاتی، ضمن بررسی تیمید ۳۴ هزار نفر از مردم عراق، به وندای خارچه شرکت کنند. در کنفرانس اسلامی گفته‌اند: «آنچه بیشتر موجب تأسف و ناامید است سکوت دستگاه‌های تبلیغاتی جهانی و اسلامی و عربی است، که از مصیبت ۳۴ هزار مسلمان عرب هیچ یاد نمی‌کنند و این مصیبت کم نظیر را کاملاً نادیده گرفته‌اند».

(بامداد - ۵۹/۲/۲۸)

به دنبال این اطلاعیه، «شیاه الحق» (مسلمان توده‌اشه) در حالیکه بشدت متاثر شده بود و هاهای می‌گرفت، گفت: اگر بتوانید این مشکل را به طریقی به مسئله «تجاوز نظامی شوروی» به افغانستان وصل کنید، حتما مورد رسیدگی ما قرار خواهد گرفت.

طرف‌های آید

«صادرات شرافت» به ایران در مقایسه با صادرات در ماه‌های سال قبل نزدیک به دو برابر شده.

(کیهان - ۲۸ اردیبهشت)

طرف نرمک نرمک می‌آید!

خائن انقلابی!

نزیه برای سرنگونی رژیم ایران در پاریس جبهه متحد تشکیل میدهد. (جرايد)
نزیه از زمان دولت موقت، که مدیر عامل شرکت ملی نفت شد، در آنجا الحق زحمت کشید و در راه انداختن و تولید و نگاهداری خیلی کوشش کرد. (بازرگان - کیهان ۲۸ اردیبهشت)

به این می‌گویند خائن انقلابی!

علت سکوت

هنگام حمله هوایی آمریکا به ایران، جریان بوسیله پایگاه هوایی زاهدان به مرکز گزارش شد، ولی هیچگونه اقدامی از طرف مقامات مذکور انجام نگرفته است و از همه مهمتر اینکه در همان شب در اکثر پایگاههای هوایی تویهای ضد هوایی - بدون دلیل جمع‌آوری گردیده است. این اطلاعات و نظایر آن از فاجه‌های عظیم خبر میدهد. پاسخ مقامات مسئول در مقابل ملت چیست و چرا سکوت کرده‌اند؟ (جامعه روحانیت مبارز مشهد - کیهان - ۲۹ اردیبهشت)

ما هم بارها این سؤال را کردیم، کسی جواب نداد!

کلت مرغابی

جناب حسن نزیه، که در پاریس همراه اوبسی، از هاری، آریانا و... دیگر جلادان شده مخلوع سخت سرگرم فعالیت‌های وطن‌دوستانه علیه انقلاب ما و جمهوری اسلامی ایران هستند و در این فعالیت‌های «انقلابی» آمریکا، فرانسه، انگلستان و دیگر امپریالیست‌ها را و یاورشان هستند، بعد از کلی تعریف از آمریکا، حزب توده ایران را به «وطن‌فروشی» متهم کرده‌اند و آن را معادل بیگانه معرفی فرموده‌اند. البته ایشان ابتکاری به خرج نداده‌اند و مثل بقیه هیپالکی‌هایشان، یعنی شاه مخلوع، بختیار خائن و... در اوج وطن‌فروشی و خیانت، آنچه را خود برده‌اند، به ما نسبت داده‌اند.

به این می‌گویند کلت مرغابی!

حسن تشخیص

روزنامه ساندی تایمز جزئیات طرح کودتای اوبسی، پالیزبان و آریانا را فاش کرده و نوشته است: «طرح این نقشه می‌گویند که عملیات مزبور با خونی‌ریزی همراه خواهد بود و بخصوص گروه‌های کمونیست هدف حمله شدید قرار می‌گیرند» (کیهان - ۲۹ اردیبهشت)

آقایان دشمن بیکسر خود را خوب می‌شناسند.

خوش بحال کومله

«ع کشتی موشک‌انداز آمریکائی در اختیار عراق قرار می‌گیرد» (کیهان - ۲۹ اردیبهشت)

بدون شرح

خبر کنفرانس اسلام‌آباد تحت پوشش هیئت ایرانی (۱) نمایندگان «جبهه آزادیبخش افغانستان» نیز شرکت کردند. (کیهان - ۲۹ اردیبهشت)

روزنامه انقلاب اسلامی، صاحب با اقبال احمد، عضو موسسه مطالعات سیاسی واشنگتن را چاپ کرده، که در آن راجع به مخالفت با افغانستان گفته شده «پوشک دست میا در کار است» (۲۷ اردیبهشت)

و شیاه‌الحق رئیس‌جمهور آمریکائی پاکستان فاز موضع ایران در قبال مساله افغانستان تشکر کرده. (جرايد - ۲۹ اردیبهشت)

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود